

## زندگی و کار بر لبه استعمار داخلی: اقتصاد سیاسی کولبری در روزه‌لآت

به قلم: کمال سلیمانی<sup>1</sup> و احمد مجدپور<sup>2</sup>  
ترجمه: خوشناو قاضی

### چکیده

این مقاله با تحقیق در مورد کولبری (کار مرزی)، به سیاست دولت برای توسعه‌زدایی (یا استعمار داخلی) مناطق کردنشین ایران (معروف به روزه‌لآت) می‌پردازد. در حالی که کولبری خطرناک‌ترین شکل کار است، این کسب و کار به یک فرصت شغلی غالب برای کردهای روزه‌لآت در دهه گذشته تبدیل شده است. در ایران هیچ قانون مصوبی برای مجازات کولبری وجود ندارد اما این کارگران پیوسته جان خود را از دست می‌دهند - به واسطه تیراندازی و پرت کردن از ارتفاعات توسط نیروهای دولتی، قدم گذاشتن بر میادین مین و غیره. با وجود فاجعه‌ای به این گستردگی، حتی یک مقاله علمی برای بررسی این پدیده به رشته تحریر درنیامده است. مطالعه ما با استفاده از روش تحقیق ترکیبی، به تجزیه و تحلیل داده‌های موجود به همراه مصاحبه‌های تفصیلی با ۲۰ نفر که در حال حاضر در بخش کولبری مشغول به کار هستند می‌پردازد تا این پدیده مورد مطالعه را متناسب با زمینه آن به بهترین روش بررسی کند. یافته‌های ما نشان می‌دهد که کولبری نتیجه مستقیم سیاست‌های تک‌انگیزی - تک‌مذهبی مربوط به توسعه است که جزئی لاینفک از استراتژی این دولت پارتی-شیعی در کردستان است. بنابراین، کولبری بیشتر پدیده‌ای سیاسی است تا اقتصادی.

### کلید واژه‌ها

اقتصاد آپارتاید، کولبری، کردستان، روش تحقیق ترکیبی، دولت پارتی-شیعی<sup>3</sup>

### ۱- مقدمه

پابلو گونزالس کازانووا در تحقیق خود استعمار داخلی را اینگونه توصیف می‌کند: "حکومت یک گروه نژادی ... بر سایر گروه‌های اتنیک که در مرزهای محروم یک کشور واحد زندگی می‌کنند" (صفحه ۱۳۲-۱۳۰). کازانووا این مفهوم را در بستر جوامع چند اتنیک به کار گرفته است. بنابراین، برای او، روابط استعماری داخلی لزوماً محدود به استعمار اقتصادی نیست (لاو، ۱۹۸۹، صفحات ۹۰۷-۹۰۶). آندره گوند فرانک با الهام از کازانووا اظهار داشت که استعمار داخلی نوعی "توسعه نابرابر" است و بیانگر روابط ساختاری نابرابری است که در "کلان شهر و امار آن" یا در روابط "مرکز-پیرامون" خود را نشان می‌دهد (فرانک، ۱۹۷۱). استعمار داخلی به عنوان یک ابزار تحلیلی، توسط بسیاری از محققان به ویژه در بستر آمریکای لاتین و ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفته است (مارکارد، ۱۹۵۷؛ پکهام، ۲۰۰۴؛ پورتز و باخ، ۱۹۸۵).

استعمار داخلی در ایران از طریق توسعه‌زدایی مداوم مناطق غیرشعبه و غیرفارس موجب ایجاد روابط داخلی مرکز-پیرامون شده است<sup>4</sup>. در منطقه کردنشین - موضوع مطالعه ما - روابط نامتقارن و نابرابر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به واسطه شکل‌گیری جوامع حاکم در مقابل جوامع غیر حاکم، امنیتی‌شدن شدید و توسعه‌زدایی، که بسیار کم مورد مطالعه قرار گرفته است، تداوم یافته

<sup>1</sup> El Colegio de México, Ciudad Mexico, Mexico

<sup>2</sup> Department of Anthropology, University of Massachusetts, Amherst, MA, USA

<sup>3</sup> تاریخ دریافت: ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۹، تاریخ ویرایش: ۱۴ نوامبر ۲۰۱۹، تاریخ پذیرش ۳ فوریه ۲۰۲۰

10.1111/1468-4446.12745 شناسه برنمود دیجیتال:

wileyonlinelibrary.com/ journal/bjos .2020 London School of Economics and Political Science, Br J Sociol. 2020; 00:1-20©

<sup>4</sup> اسماعیل بشیکچی، جامعه‌شناس ترک نخستین محقق بود که پس از آنکه عبدالرحمان قاسملو رهبر و فعال سیاسی کرد در کتاب سال ۱۹۶۳ خود، کردستان را به عنوان "مستعمره بین‌المللی" معرفی کرد، به تأیید سخن او برخاست (بنگرید به بشیکچی ۱۹۹۰، قاسملو ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد که چنین رویکردی در مورد مطالعات کردی، پذیرش گسترده‌تری در میان محققان جدید به دست آورده است (رجوع کنید به گامبتی ۲۰۰۹، یوکسل ۲۰۱۱). به تازگی محمات ام کورت، جامعه‌شناس کرد، مقاله مهمی در مورد اسلام‌گرایی و استعمار داخلی منتشر کرده است که در آن، برای اولین بار، به بررسی روند استعماری اسلام‌گرایی می‌پردازد (کورت، ۲۰۱۹). همچنین نویسندگان مقاله حاضر سه مقاله در مورد شرایط استعماری در کردستان منتشر کرده اند. بنابراین، در اینجا ما از تکرار مواردی که قبلاً در جای دیگر مورد بحث قرار گرفته است، خودداری خواهیم کرد (نگاه کنید به مجدپور و سلیمانی، ۲۰۱۹؛ سلیمانی و مجدپور، 2019a, 2019b).

و همیشگی شده است<sup>5</sup>. سیاست‌های امنیتی کردن و توسعه‌زدایی دولت مولد وضعیتی شده است که تنها می‌تواند به عنوان اقتصاد آپارتاید شناخته و توصیف شود. این وضعیت به نوبه خود موجب خلق پدیده کولبری در ده سال گذشته شده است.

کولبری در زبان کردی به کار مرزی (کارگران جوان و پیر) اطلاق می‌شود که در آن افرادی که کولبر نامیده می‌شوند اقدام به حمل کالا بر شانه‌های خود و عبور از مرزهای ایران، عراق و ترکیه می‌کنند (به بوزکالی، ۲۰۱۹ مراجعه کنید). این یک کار بسیار خطرناک و دارای ریسک بالا است زیرا کولبرها به طور مرتب توسط نیروهای مسلح ایرانی مورد هدف گلوله قرار می‌گیرند یا به علت سقوط از صخره‌ها و ارتفاعات کوهستانی، قدم گذاشتن بر میادین مین و قرار گرفتن در معرض سرمای شدید جان خود را از دست می‌دهند (به گزارش تلویزیون بی.بی.سی مراجعه کنید<sup>6</sup>). کولبری به عنوان یک پدیده نشانگر توسعه‌زدایی استقرار یافته در کردستان است که خود محصول جانبی شرایط امنیتی استثنایی است که توسط خود دولت ایجاد شده است. کولبری نشانه وضعیت استثنایی سیاسی-اقتصادی است (بنگرید به آگامبن، ۲۰۰۳) یا آنچه که مودیمبه، در مفهوم عمومی‌تر، آن را "ساختار استعمارگرانه" می‌نامد، که باعث دوگانگی‌های پارادایمی مانند "اقتصادهای معیشتی در مقابل اقتصادهای بسیار مولد" می‌شود. (۱۹۸۸، صفحه ۱۷). پارادایم‌های اقتصادی دوگانه مشابه در ایران کولبری را به وجود آورده که بیانگر نوعی آپارتاید اقتصادی در کردستان است<sup>7</sup>.

کولبری پویایی و نیروی درونی بنیادین اتنیک-فرهنگی و ناهمخوانی اقتصادی و سیاسی ناشی از آن را در ایران نشان می‌دهد، جایی که ملیت اتنیک مسلط شیعه، تمامی انواع و اشکال قدرت و ابزار تولید را در انحصار خود گرفته است. به نظر نمی‌رسد که در روزه‌لات، روابط اقتصادی پایه و اساس ساختار سیاسی-اجتماعی باشد. چنین روابطی نمایندگی سیاسی، توزیع منابع و مشارکت همگانی را تعیین نمی‌کنند. در عوض، عامل تعیین کننده حاکمیت مردمی (پاپلیولر) یا به عبارت دقیق فقدان آن است. این نابرابری‌ها توسط شکاف‌های اتنو-زبانی و مذهبی به پیش رانده شده و جا انداخته می‌شوند. بنابراین کولبری، نتیجه نظام سیاسی و استعمار داخلی است که توسط جمهوری اسلامی ایران و بدنه فارس-شیعه حکومت به کردها تحمیل شده است.

وضعیت حقوقی کولبری نامشخص است زیرا این ابهام در خدمت سیاست‌های کلی کنترل و همگون‌سازی دولت در کردستان است. اگرچه کولبرها اغلب کارت کولبری همراه دارند اما پذیرش یا رد آنها بر عهده گشت مرزی ایران است. اغلب اوقات همین گشت‌های مرزی به دلیل حمل و نقل مرزی کالا به کولبرها شلیک می‌کنند. بنابراین، اینکه نحوه برخورد با کولبرها به طور کامل در اختیار این نگهبانان مرزی است و آنها دلبخواهانه و خودسرانه اقدام می‌کنند نشان‌دهنده یک نمونه بارز وضعیت استثنایی است: وضعیتی نه کاملاً قانونی و نه کاملاً مجرمانه. این وضعیت حاکی از زندگی اقتصادی آستانه‌ای کردها است که در آن واحد هم قابل تحمل است و هم متضمن مرگ. در حالی که جمهوری اسلامی ایران دیگر مرزها را برای تجارت بین‌المللی نسبتاً باز نگه می‌دارد، به طور دلبخواهانه گردهایی را که به عنوان تنها وسیله امرار معاش و برای کسب یک روزی مختصر و بخورنمیر کالاهایی بر شانه خود حمل می‌کنند، به قتل می‌رساند. لازم به ذکر است که در اینجا، ما استعمار داخلی را با آنچه که سارا روی آن را "توسعه‌زدایی" نامیده است برابر در نظر گرفته‌ایم: فرایندی که از طریق آن یک قدرت مسلط استراتژی‌هایی بازدارنده را عامدانه برای "جلوگیری از توسعه اقتصاد داخلی و اصلاح ساختاری" اتخاذ می‌کند. (روی، ۱۹۹۵، صفحه ۶؛ یادیرگی، ۲۰۱۷). چنین سیاست‌های توسعه‌زدایانه‌ای در مناطقی مانند کردستان- که اتنو-ملتی غیر خودی در آن زندگی می‌کنند، اجرا می‌شود. دولت، کردستان را به عنوان یک منطقه امنیتی در نظر گرفته و از لحاظ تاریخی مجموعه قوانین مختلفی را در آن به اجرا گزارده است. سیستم حقوقی و قضایی مرکز - که برخاسته از قدرت حاکم و مسلط غیر کردی است، همواره با هر نماد و نشانه حاکی از کرد بودن به عنوان تهدیدی امنیتی برخورد کرده است (نفیسی، ۲۰۱۲، صفحه ۱۰۲). کردها به دلیل تفاوت زبانی و مذهبی در معرض اقدامات تنبیهی بی‌نظیری

<sup>5</sup> در طی یک دهه گذشته، عباس ولی، محقق برجسته کرد، تولیدات آکادمیک گسترده‌ای را در مورد روزه‌لات عرضه نموده است. (به عنوان نمونه مراجعه کنید به، ولی ۱۹۹۸، ۲۰۰۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵). با وجود این، روزه‌لات کمتر از سایر مناطق کردستان مورد مطالعه جدی و آکادمیک قرار گرفته است.

<sup>6</sup> <https://www.youtube.com/watch?v=khgdcuS5YRI> (accessed March 10, 2019)

<sup>7</sup> لازم به ذکر است که ما، در مطالعه حاضر، اصطلاحاتی مانند "اقتصاد اتنیک" یا "اقتصاد اتنیک محصور" (برگرفته از "جامعه‌شناسی تاریخی ماکس وبر و ورنر سمبرت" (برگر، ۱۹۹۱ را ببینید)) را به کار نمی‌بریم. دلیل این امر این است که با وجود این که اولی کاربرد عمومی‌تری دارد اما آنها به خوبی اقتصاد سیاسی روزه‌لات را توضیح نمی‌دهند (لایت، صباغ، بزرگمهر و در-مارتیروسیان، ۱۹۹۴، صفحه ۱). این دو اصطلاح برای توصیف رسمی و غیر رسمی (لایت، بهاچو و کاراگورگیس، ۱۹۹۳) اشتغال و کسب و کار اقلیت مهاجر که در درون اقتصاد کلی و عمومی وجود دارند مورد استفاده قرار گرفته‌اند (بیلی و والدینگر، ۱۹۹۱). همچنین اصطلاح "محیط کار جداگانه" که توسط ریتر (۱۹۸۰، صفحات ۱۵۶-۱۵۴) استفاده شده است به خوبی مناسب مورد ما نیست زیرا این اصطلاح نیز مخصوص جوامع مهاجر در کانادا به کار رفته است. تمام این اصطلاحات در مطالعه مهاجران و زندگی اقتصادی منفک آنها ساخته یا به کار گرفته شده‌اند. برخلاف کولبری، اقتصادها و مطالعات موردی فوق در مرزهای قانونی جوامع و کشورهای میزبان قرار دارند. تمام مفاهیم و مطالعات فوق بر مهاجران متمرکز شده‌اند. برعکس، کولبری از وضعیت حقوقی مبهمی برخوردار است و محصول آپارتاید اقتصادی است که با ترفند توسط یک قدرت برتر برای سرکوب و به حاشیه راندن یک اتنیک-ملت غیر حاکم و غیر مسلط طراحی شده است.

از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته‌اند.<sup>8</sup> بنابراین، باید به کولبری به عنوان یک استراتژی هوشمندانه دولت نگاه کرد که به خوبی برنامه‌ریزی شده است و نشان‌دهنده نابرابری‌های ساختاری و سیاست‌های تک-اتنو-مذهبی توسعه است که توسط دولت فارسی-شیعی ایران برای جلوگیری از بروز هرگونه شکل و میزانی از حاکمیت کردها اتخاذ شده است.<sup>9</sup> نخبگان اتنو-ملت حاکم به اینگونه سیاست‌های توسعه‌زداپانه دولت یا آنچه که محقق فارس مهرداد بروجردی آن را سلطه بر غیر فارس‌ها می‌نامد، مشروعیت بخشیده‌اند (بروجردی، ۱۹۹۸، صفحه ۴۳). دولت در تلاش است تا هویت پارسی را بر کل کشور یا آنچه که آنها "ملت" می‌نامند تحمیل کند. چنین شرایطی منجر به ایجاد جامعه‌ای شده است که باید یا داوطلبانه و یا به زور فارسی شود.<sup>10</sup> چنین رویکردی در مقابل مقاومت غیرفارس‌ها در برابر دولت، راه را برای پاکسازی خشونت‌آمیز دولت در مناطق غیرفارس هموار کرده و به سیاست‌های تک-اتنو-مذهبی مربوط به توسعه که کولبری یکی از آنها است مشروعیت بخشیده است. به همین دلیل است که باید کولبری را به عنوان نتیجه مستقیم فارسی کردن استعماری تلقی کرد که موجب سلب دارایی‌های زندگی، محرومیت از زندگی انسانی و به حاشیه راندن کردها شده است.<sup>11</sup>

قبل از اینکه بیشتر وارد این بحث خطیر شویم، باید توجه داشته باشیم که در بخش‌های بعدی ابتدا متدولوژی خود را توضیح می‌دهیم. سپس ما شرایط سیاسی - اقتصادی و تاریخی را که باعث بوجود آمدن کولبری شده است، تحلیل خواهیم کرد. و از طریق بحث در مورد سیاست‌های توسعه‌زداپای دولت، امیدواریم که نشان دهیم کولبری جلوه‌ای از نوعی آپارتاید اقتصادی است که به نحوی با آپارتایدی که در آفریقای جنوبی وجود داشت، قابل مقایسه است. سرانجام، یافته‌های خود را ارائه خواهیم داد و بر اساس مصاحبه‌های خود با کولبرها وضعیت آنها را از طریق روایت‌های خودشان به تصویر می‌کشیم.

## ۲- گردآوری داده‌ها و روش تحقیق

ما در این مطالعه از رویکرد تحقیقی روش‌های ترکیبی استفاده می‌کنیم که به ما امکان می‌دهد تا از ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی و استنتاج‌ها استفاده کنیم.<sup>12</sup> (تشکری و تدلی، ۲۰۰۳). در این فرایند، ۲۰ کولبر به طور چهره به چهره و بصورت آنلاین مورد مصاحبه قرار گرفتند. بخشی از داده‌های کمی ما در مورد پدیده کولبری تا حدودی از سازمان هنگاو و کولبر نیوز (گروه تلگرامی کولبر به آدرس <https://t.me/Kolbarnews>) جمع‌آوری شده است.<sup>13</sup> ما داده‌های جمع‌آوری شده توسط سازمان‌های مختلف حقوق بشری و دیگر فعالین را با منابع دیگری مانند گزارش‌های محلی و تحقیقات اتنیک نگاری خودمان مقایسه و بررسی متقابل کرده‌ایم. جدول (۱) نتیجه این فرآیند جمع‌آوری داده‌ها را نشان می‌دهد (همچنین به شکل (۱) مراجعه کنید).

<sup>8</sup> این وضعیت بویژه پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ شدت و سرعت گرفت زیرا کردهای روزه‌لالت فاعانه جمهوری اسلامی (به عنوان یک سیستم سیاسی) و قانون اساسی آن را در دو فراندوم متوالی رد کردند. از این پس، روزه‌لالت نمونه‌ای شد از آنچه آگامین در پارادایم زندگی تنهای خود از آن به عنوان یک نظم سیاسی و "حقوق صرفاً محروم" یاد می‌کند (۱۹۹۸، صفحه ۱۱۲). لازم به ذکر است که بخش مهمی از کردهای مسلمان ایران شیعه هستند و تحت حکومت جمهوری اسلامی وضعیت خیلی بهتری از کردهای اهل سنت ندارند. با این حال، مطالعه ما به ویژه بر مناطق سنی‌نشین کردستان متمرکز است زیرا کولبری در این مناطق شیوع بیشتری دارد.  
<sup>9</sup> گروه‌های اتنو-ملت حاکم که به اصطلاح دمکراسی‌خواه هستند نیز عادتاً "فراموش می‌کنند که یک سیستم دموکراتیک تنها بر اساس اصل حاکمیت همه یا حاکمیت همگانی می‌تواند پایه‌ریزی شود. همانطور که امی گوتمان بیان می‌کند کسانی که "فقط با عادت و از روی الگو اداره می‌شوند ... قادر به تشکیل جامعه‌ای از شهروندان حاکم و مستقل نیستند" (۱۹۸۷، ص ۵۱). بنابراین، این گروه‌های به اصطلاح "طرفدار دموکراسی" نمی‌توانند درک کنند که بدون اصل حاکمیت برای همه، یک نظام تنها می‌تواند برای "نژاد قهرمان" یا برتر دموکراتیک باشد، مانند نمونه ترکیه که در آن قانون اساسی صحبت از کرد بودن را به منزله "تحقیر ملت ترکیه" در نظر می‌گیرد (ماده ۳۰۱ را ببینید).  
<sup>10</sup> اتنو-ملت حاکم و نخبگان آن زمینه معرفی و مشروعیت اخلاقی را برای از بین بردن فرهنگ‌ها و زبان‌های غیر فارسی فراهم می‌کنند. به عنوان نمونه دانشگاهیان دولتی طرفدار نظام اسلامی مانند نعمت‌الله فاضلی را در نظر بگیرید که هویت ایرانی را معادل "ملت" و "بقیه اتنیک‌ها" معرفی می‌کنند. وی ادعا می‌کند که فرهنگستان زبان فارسی پهلوی "قصید داشت از زبان و ادبیات مردم فارس برای تصفیه زبان فارسی و تقویت هویت ملی بر سایر هویت‌های اتنیک و محلی استفاده کند" (۲۰۰۶، صفحه ۵۳؛ تأکیدات اضافه شده است).

<sup>11</sup> ناسیونالیسم اتنو-مذهبی ایرانی (که در نهان فارسی شیعی سازی استعماری است) تسلط فارسی‌گرایی را تقویت کرده است. از اوایل قرن بیستم، تمایل به "خود را غیر فارس دانستن" به عنوان تهدیدی برای "وحدت ملی" تلقی شده است. با این وجود "ملت" همواره مترادف با یک ایران فارسی‌شده بوده است که به تعبیر محقق ایرانی مهرداد کیا، توسط پهلوی اول با اتکاء اصلی بر "ارتش، پلیس و بوروکراسی" تحمیل و تعقیب شده است (۲۰۰۶، صفحه ۱۹). جمهوری اسلامی نیز که ترکیبی از ملی‌گرایی مذهبی و فارسی است، جامعه کرد را هم به عنوان غیرخودی اتنیک و هم غیرخودی مذهبی تلقی می‌کند و به همین دلیل کردستان را به منطقه‌ای نظامی تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل امتناع کردها از همگون‌شدن، اقدامات تنبیهی متعددی که مختص کردها است را علیه آنها به عمل آورده است. (برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به استنسفیلد، ۲۰۱۴).

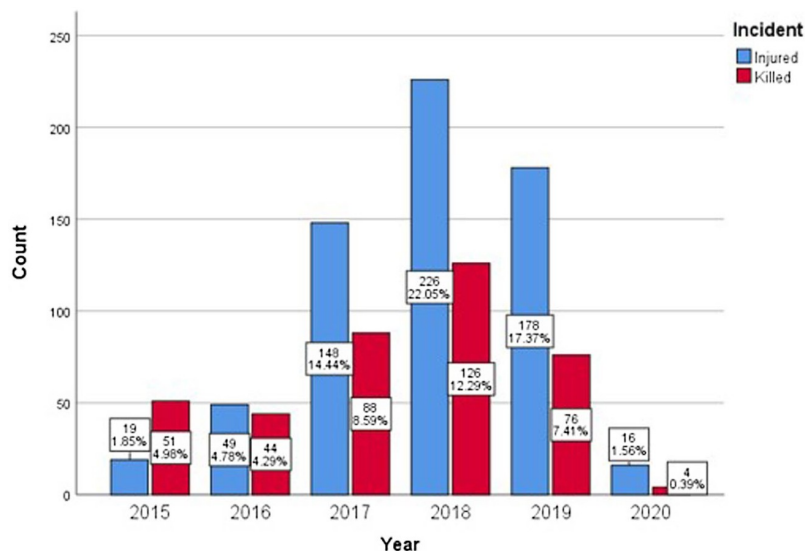
<sup>12</sup> ما از طرح روش‌های ترکیبی همزمان-موازی استفاده کرده‌ایم.

<sup>13</sup> این سازمان‌ها و وبسایت‌های آنها بطور روزانه اطلاعاتی در مورد تلفات کولبرها ارائه می‌دهند. البته لازم به ذکر است که علی‌رغم صحت اطلاعات ما، به دلیل قتل‌های روزانه، تهیه تعداد دقیق تلفات غیرممکن است.

جدول (۱) کولبرهای مجروح یا کشته شده (۲۰۱۵-۲۰۲۰)

جمع کل	سال						مقدار	زخمی	رویداد
	2020	2019	2018	2017	2016	2015			
636	16	178	226	148	49	19			
100.0 %	2.5%	28.0%	35.5%	23.3 %	7.7%	3.0%	% در رویداد		
62.0%	80.0 %	70.1%	64.2%	62.7 %	52.7 %	27.1%	% در سال		
62.0%	1.6%	17.4%	22.0%	14.4 %	4.8%	1.9%	% کل		
389	4	76	126	88	44	51		مقدار کشته	
100.0 %	1.0%	19.5%	32.4%	22.6 %	11.3 %	13.1%	% در رویداد		
38.0%	20.0 %	29.9%	35.8%	37.3 %	47.3 %	72.9%	% در سال		
38.0%	0.4%	7.4%	12.3%	8.6% %	4.3%	5.0%	% کل		
1,025	20	254	352	236	93	70		مقدار جمع کل	
100.0 %	2.0%	24.8%	34.3%	23.0 %	9.1%	6.8%	% در رویداد		
100.0 %	100.0 %	100.0 %	100.0 %	100.0 %	100.0 %	100.0%	% در سال		
100.0 %	2.0%	24.8%	34.3%	23.0 %	9.1%	6.8%	% کل		

شکل (۱) کولبرهای زخمی شده یا کشته شده (۲۰۱۵-۲۰۲۰)



برای اینکه از حداکثر معیار پراکندگی و تنوع در مصاحبه‌های خود اطمینان حاصل کنیم نمونه‌هایی از گروه‌های سنی مختلف، وضعیت اجتماعی، سال‌های کار به عنوان کولبر و شهرهای محل اقامت انتخاب کرده‌ایم. مصاحبه‌شوندگان ما از شش شهر مرزی کردستان هستند که کولبری در آنها رواج بیشتری دارد: سردشت، پیرانشهر، مهاباد، اشنویه، بانه و مریوان (به جدول‌های ۲ و ۳ مراجعه کنید).

## جدول (۲) مشخصات جمعیت شناسی مصاحبه‌شوندگان

حد وسط	حداکثر	حداقل	تعداد نمونه
35.80	74	22	سن
1.55	6	0	تعداد فرزندان
12.75	22	5	سال‌های تحصیل
4.85	15	1	سال‌های اشتغال به کولبری
	مجرد ۱۱ نفر	متاهل ۹ نفر	وضعیت تاهل
			تعداد نمونه‌های معتبر

## جدول (۳) کلمه عجم (به معنی غیرکرد)، شیعه و سنی در زمینه متن

نام سند	زمینه	کلمات کلیدی	زمینه
کولبر بانه شماره ۱	بگویند ایست و بعد شلیک می‌کنند	عجم‌ها	بزرگترین خطر این است که
کولبر مهاباد شماره ۶	نمایندگان ما همواره وعده توخالی می‌دهند، وعده توخالی	عجم‌ستان	برخلاف
کولبر پیرانشهر شماره ۱۰	ما بیچاره هستیم	عجم‌ها	همه چیز داده می‌شود به
کولبر سردشت شماره ۱۷	به آسانی می‌توانید کار پیدا کنید	عجم‌ستان	منطقه ما عمداً محروم شده و در
کولبر بانه شماره ۲	به ما شلیک می‌کنند	عجم‌ها	یا مین منفجر می‌شود یا
کولبر پیرانشهر شماره ۱۲	کارت ملی ما و ... را ضبط می‌کنند	عجم‌ها	برای هر بار ۷۰ هزار تومان می‌گیریم و
کولبر اشونبه شماره ۲۰	قرار گیرید، در ترس همیشگی زندگی می‌کنیم	عجم‌ها	ممکن است دستگیر شوید یا مورد تیراندازی
کولبر مهاباد شماره ۵	استخدام نمی‌شوند	سنی‌ها	کارگران کرد یا
کولبر پیرانشهر شماره ۱۳	نزدیک می‌شوید فقر و محرومیت شروع می‌شود	سنی‌ها	وقتی به منطقه کردنشین یا منطقه

برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، ما آنها را به انگلیسی ترجمه، رونویسی و ویرایش کردیم و در نرم افزار MAXQDA که یکی از نرم افزارهای عالی برای کدگذاری و تحلیل داده‌های کیفی است، وارد کردیم. روش تحلیلی داده‌ها با استفاده از نظریه زمینه‌ای به منظور تجزیه و تحلیل سیستماتیک داده‌ها و تولید نظریه‌ای معتبر از تجربیات زنده و روایت‌های شخصی به آن صورت که در مصاحبه‌ها منعکس شده بود، انجام شده است (گلاسر و اشتراوس، ۲۰۰۰). "زندگی بر لبه" به عنوان مقوله هسته تعیین شد که به عنوان "گشتالت تحلیلی" عمل می‌کند، و تجارب عملی کولبرها از کار و زندگی را به هم نزدیک می‌نماید.<sup>14</sup> مقاله خود را با بحثی نسبتاً گسترده در مورد ظهور کولبری و بافت اجتماعی-سیاسی و اقتصادی آن آغاز خواهیم کرد. بخش باقیمانده مقاله شامل تعدادی بخش است که در کل تلاشی برای ترسیم تصویری از شرایط کولبری است که از طریق روایت‌های خود کولبرها و تجربه‌های زنده آنها انجام می‌شود.

### ۳- اقتصاد خزنده آبارتایدی و ظهور کولبری

کولبری یک پدیده نسبتاً جدید است. در حالی که شکل کلاسیک قاچاق در مناطق مرزی دارای سابقه طولانی است، کولبری به شکل فعلی خود چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ همه‌گیر شد. "تنها سه هفته از ورود [خمینی] به تهران در اول

<sup>14</sup> ما داده‌های خود را سطر به سطر کدگذاری کردیم. در مرحله اول کدگذاری (کدگذاری باز) ۴۷ مفهوم شناسایی شدند که در ۶ گروه اصلی طبقه‌بندی شدند. در مرحله دوم (کدگذاری محوری) رابطه مفهومی را در بین دسته‌های اصلی بنا کردیم. سرانجام، در مرحله سوم یا کدگذاری گزینشی، مقوله هسته (زندگی بر لبه) مشخص گردید.

فوریه ۱۹۷۹ گذشته بود، که درگیری بین انقلابیون اسلامگرا و کردها آغاز شد" (الینگ، ۲۰۱۳، صفحه ۴۷). بلافاصله پس از بازگشت خمینی کردها با اقدامات نظامی تمام عیار روبرو شدند، شهرهای کردنشین در محاصره قرار گرفتند، و غیرنظامیان کرد قتل عام شدند<sup>15</sup>. "فتح کردستان"<sup>16</sup> طلوعه‌دار دوره جدیدی از محاصره سیاسی و نابودی اقتصادی شد و به زودی با وقوع جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) تشدید شد. "حدود پنجاه هزار کرد در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۸۸ جان خود را از دست دادند که این رقم شامل جنگ ایران و عراق نیز می‌شود" (الینگ، ۲۰۱۳، صفحه ۴۸). این جنگ که به تحکیم پایه‌های رژیم کمک کرد، بهانه ای شد برای نظامی‌سازی بیشتر کردستان و تبدیل آن به منطقه جنگی. نظامی‌سازی هم به نوبه خود پروژه‌های استعماری تغییر بافت جمعیتی (از طریق پروژه‌های نظامی و شهرک‌سازی)، مصادره زمین‌ها، انتقال آب، تسلط فرهنگی و تشدید توسعه اقتصادی برپایه اتنو-مذهب واحد را تسهیل کرد.

کردها برخلاف جامعه حاکم فارس، بطور منظم به حاشیه رانده شده‌اند. اقدامات و رویه جمهوری اسلامی ایران از بعضی جهات ماهرانه، شبیه به رژیم آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید است. اتنو-ملت فارس-شیعه با استفاده از "بازی مضاعف حاکمیت" گفتمان تعلق به ملت را فرموله می‌کند، اصول و چهار چوب جامعه اخلاقی را تعیین می‌کند و از همین گفتمان گنجاندن، استفاده می‌کند تا به اصطلاح «اشار کرد» را از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و حقوقی به حاشیه براند<sup>17</sup>. به حاشیه راندن جامعه کرد غیر مسلط و غیرمستقل، و به نظم درآوردن خلع ید و سلب دارایی‌های زندگی، یادآور سیاست‌های قانونی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی است.

در آفریقای جنوبی، هسته اصلی سیاست‌های آپارتاید بر اساس قوانین تبعیض آمیز مالکیت، دسترسی به منابع و تصرف املاک بنا شده بود (لاونبرگ، ۱۹۸۹؛ ویلیامز، ۱۹۸۹، ص ۱۲۱). در کردستان، سیاست‌های توسعه‌زدایانه سیستماتیک جمهوری اسلامی ایران شبیه استراتژی‌های رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است که بر اساس خلع مالکیت و خلع ید جامعه سیاه پوست بنا شده بود. جمهوری اسلامی ایران با جدیت در حال نابودی کشاورزی، ممانعت از پرورش حیوانات، تخلیه جمعیت و کاهش نفوس مناطق روستایی از طریق ساخت سدهای عظیم و انتقال منابع طبیعی (به عنوان مثال، آب و مواد اولیه) به مناطق غیرکرد شیعه‌نشین است. چنین استراتژی‌هایی نشانگر برنامه جمهوری اسلامی برای تغییر و تحول اساسی در روزه‌ل‌ات و پیچیده‌تر شدن معیشت کردها در آن طرف مرز (در حکومت اقلیم کردستان) است. در حالی که دولت اسلامی سایر مرزهای ایران را برای تجارت بین‌المللی نسبتاً باز گذاشته است، اما از طریق امنیتی‌سازی کردستان فعالیت‌های اقتصادی این منطقه را با دشواری مواجه کرده و با کسانی که از توان بدنی خود برای کار در مرز مایه می‌گذارند، چنین با خشونت برخورد می‌کند.

در ایران، محروم‌سازی و به حاشیه‌راندن کردها با قانون اساسی پشتیبانی می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران غیر شیعیان را از تصدی مناصب کلیدی دولت مانند مقام ریاست‌جمهوری (ماده ۱۱۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) باز می‌دارد<sup>18</sup>. آنها نمی‌توانند در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندید شوند. آنها همچنین نمی‌توانند عضو کابینه، شورای امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان قانون اساسی یا مجلس خبرگان شوند. در چهار دهه گذشته، حتی به یک کرد هم اجازه داده نشده است که در مناصب مهم تصمیم‌گیری کشور ایفای وظیفه کند (به بروجردی و رحیمخانی، ۲۰۱۸ مراجعه کنید). بوروکراسی دولتی، قوانین و سازمان‌ها همه بر اساس محروم‌سازی و به حاشیه راندن جوامع غیرشیعه و غیر فارس (مثلاً کردها) شکل گرفته و بنیان نهاده شده‌اند. کردها اجازه تصدی مناصب کلیدی اطلاعاتی و نظامی را هم ندارند.

جمهوری اسلامی ایران یک دولت معتقد به تبعیض و تفکیک نژادی و مذهبی است که سیاست‌ها و قوانین آن براساس مقررات خاصی در قانون اساسی بنا شده است که از نهاد تک-اتنو-مذهبی مطلق در جامعه پاسداری می‌کند. تبعیض علیه کردها که دارای مناصب اداری و حکومتی پایین‌تری هستند، در قانون اساسی ایران تصریح نشده است. با این وجود، همه این انتصابات تبعیض آمیز و به حاشیه راندن رسمی و نهادی، با ماهیت و روح قانون اساسی ایران مطابقت تام دارند، زیرا همین قانون الزام دارد که تنظیم و اداره کشور و جامعه بر اساس دو ستون هویت رسمی انجام شود: اسلام شیعه و فارس‌گرایی. به عبارت دیگر، قانون اساسی "نظمی حقوقی-سیاسی ایجاد می‌کند که اساساً برای همه غیر شیعیان تبعیض آمیز است" (الینگ، ۲۰۱۳، ص ۵۱). اتنو-طبقه حاکم فارس نیز همواره سیاست و هویت کرد را به عنوان تهدیدی برای تمامیت ایرانی که در ذهن خود تصور می‌کنند تلقی

<sup>15</sup> Cf. <http://kurdane.com/article-6930.html>. Also, [http://www.bbc.com/persian/iran/2013/09/130912\\_25\\_anniversary\\_kurds\\_executed\\_nm](http://www.bbc.com/persian/iran/2013/09/130912_25_anniversary_kurds_executed_nm)

<sup>16</sup> اصطلاحی که خود رژیم به کار می‌برد.

<sup>17</sup> For more on the sovereign's double game see Oren Yiftachel (2006, pp. 37-45).

<sup>18</sup> <http://archive.fo/5CPWY> (accessed March 20, 2019).

کرده‌اند (بروجردی، ۱۹۹۸). اتنو-ملت حاکم تلاش می‌کند تا کردستان را قبیله‌ای و طایفه‌گرا کند و از تماس آن با مدرنیته کاپیتالیستی ممانعت نماید و همزمان، خواست و مطالبات کردها را به عنوان نشانه‌ای از "عقب‌ماندگی منطقه‌ای" اعلام کند.

در طول جنگ ایران و عراق، شهرهای کردستان تحت حملات هوایی و بمباران مداوم قرار گرفتند. در نتیجه، پرورش دام - یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد روستایی روزه‌لات - عمدتاً از بین رفت. فضاها و زمین‌های قابل توجهی مانند مزارع، باغ‌ها (میوه و انگور) و مراتع روستایی از فعالیت اقتصادی کشاورزی و دامداری بازماند و به میادین مین تبدیل شدند (جدول ۴ را ببینید). در طول جنگ، رژیم میلیون‌ها مین زمینی کاشت - بیش از ۱۶ میلیون از آن هنوز هم بدون نقشه مشخص باقی مانده‌اند - که شیوه‌های سنتی کشاورزی و پرورش دام را مختل نموده است. در حالی که دولت زندگی اقتصادی روستایی کردستان را ویران نمود، هیچ سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و یا ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین در مناطق دیگر کردستان انجام نداد. دولت برای جبران بیکاری ناشی از جنگ، حتی برای اشتغال در "بخش دولتی" هم سیاست بومی‌گزینی را دنبال نکرد و درست برعکس عمل نمود. دولت مشاغل "بخش دولتی" را در اختیار کردهایی قرار داد که با دولت در اجرای پروژه‌های توسعه‌طلبانه دولتی همکاری می‌کردند. رژیم در چهار دهه گذشته - به بهانه "وضعیت امنیتی استثنایی" مانع توسعه اقتصادی و صنعتی در کردستان شده است. مدرکی که برای این واقعیت وجود دارد این است که در تمام منطقه کردنشین آذربایجان غربی تنها یک کارخانه قند وجود دارد که در سال ۱۹۶۸ ساخته شده است<sup>۱۹</sup>. دولت از گفتمان "وضعیت امنیتی" در کردستان به دو هدف استفاده کرده است: (الف) تا کنترل غیر کردها را گسترش و تقویت کند و کردبودن و مظاهر آن را از نظر جغرافیایی و سیاسی در هم بشکند و (ب) منابع طبیعی منطقه کردنشین را به مناطق غیر کرد انتقال داده و سیاست‌های توسعه‌زدایی خود در کردستان را به پیش برد. سیاست‌های دولت در کردستان در این مفهوم نیز قابل مقایسه با سیاست‌های رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی است، که در آن دولت ائتلافی سال ۱۹۳۴ با معرفی و اجرای سیاست‌های احتیاطی و کنترل شغلی، اساس سیستم آپارتاید را پایه‌گذاری کرد (نگاه کنید به لوندال، ۱۹۹۲، صفحات ۱۶۷-۱۶۶). این سیاست‌ها اساسی شد برای توزیع تبعیض‌آمیز منابع، خلع ید و مالکیت کشاورزان سیاه‌پوست و کاهش دستمزدها و نابودی کشاورزی سیاهان. در آفریقای جنوبی چنین سیاست‌هایی سیاهان را به نیروهای کارگری غیرماهر و نیمه ماهر با دستمزد ارزان تبدیل کرد که سرانجام جذب مناطق صنعتی متعلق به سفیدپوستان شدند (جونز و مولر، ۱۹۹۲، صفحه ۱۸۳). به همین ترتیب، سیاست‌های توسعه‌زدایی، خلع ید و سلب مالکیت استعماری جمهوری اسلامی ایران سه نوع نیروی کار ارزان و غیر ماهر را به وجود آورده است: مهاجران، کارگران فصلی و موضوع مطالعه ما: کولبری (نگاه کنید به، خانی و ضرغامی، ۲۰۱۳؛ مجدی، ۲۰۱۵).

جدول ۴. تعداد قربانیان مین‌های زمینی (۲۰۰۳-۱۹۸۸) منبع: انفجار مین و تلفات انسانی (۲۰۰۶). تهران: پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، ۷۷.

استان	تعداد	درصد
کردستان (استان)	۸۸۹	۹,۲۳
ایلام	۵۹۶	۱,۱۶
خوزستان	۴۵۱	۱,۱۲
کرمانشاه	۱۲۷۳	۳,۳۴
آذربایجان غربی	۴۹۴	۳,۱۳
نوار مرزی	۱۰	۳,۰
جمع کل	۳۷۱۳	۱۰۰

دولت از جنگ ایران و عراق برای گسترش زیرساخت‌های نظامی خود و اشغال تمام شهرها و روستاهای کرد با تمام امکانات نظامی استفاده کرد. شهرها و روستاهای کردستان "به شدت نظامی شده و در عین حال مردم غیرنظامی در معرض بمباران کورکورانه قرار گرفتند، تلفات شدیدی متحمل گردیدند و برخی مناطق به سرعت خالی از سکنه شدند" (الینگ، ۲۰۱۳، ص ۵۴)<sup>۲۰</sup>. در حالی که بخش‌های قابل توجهی از زمین‌ها و فضاهای شهری و محیط اطراف آنها برای گسترش مراکز نظامی

<sup>۱۹</sup> <http://archive.fo/aseu2> (accessed April 1, 2019).

<sup>۲۰</sup> برای مثال سردشت که در سال ۱۹۸۸ توسط صدام بمباران شیمیایی شد، بالاترین نرخ بیکاری و کولبری را دارد.

اختصاص یافته بود، مردم به دلیل کمبود امکانات پزشکی مجبور بودند برای هرگونه درمان درست و کارآمد به مراکز استان‌های کردنشین مراجعه کنند. در همین حال، روند نظامی‌سازی دولتی به طور چشمگیری باعث کاهش فعالیت‌های دامداری و کشاورزی شد. رژیم با گسترش میدان مین و ممنوعیت تحرک کشاورزان برای انجام کارهای کشاورزی در اراضی دوردست، فلاکت بیشتری به مردم کردستان تحمیل کرد. هدف از این کار قطع روابط حیاتی و زیستی بین مردم مناطق روستایی و مبارزان کرد بود. به این ترتیب، رژیم از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی و مکانی در زیرساخت‌های نظامی و تروریسم اکولوژیک (بوم‌شناختی)، نابودی اقتصاد مناطق کردنشین را تسریع کرد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، نیروهای مسلح دولتی زندگی عمومی کردها، فرهنگ قانونی آن‌ها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های غیرنظامی را تعیین و مشخص کرده‌اند و در عین حال در برابر اقدامات خود بسیار کم و به ندرت مسئول و پاسخگوی مردم بوده‌اند. در طول سه دهه گذشته، "جمهوری اسلامی تمام شهرهای کردستان را به یک پادگان نظامی بزرگ" تبدیل کرده است (به گزارش رادیو فردا مراجعه کنید<sup>21</sup>). در حال حاضر، پرسنل نظامی فارس و شیعه ۲ تا ۳ درصد از جمعیت هر شهر کردستان را تشکیل می‌دهند. این علاوه بر این واقعیت است که بیش از ۵۰٪ کارمندان اداری و دولتی از غیر کردها/غیر سنی‌ها تشکیل شده است. حضور دولت در کردستان بیشتر به شکل نظامی و لشکری است. غالباً، مناطق کردستان "از طریق پایگاه‌های نظامی و طبق قانون نظامی اداره می‌شوند و سرمایه‌گذاری اقتصادی غالباً بر توسعه زیرساخت‌های نظامی متمرکز شده است. از آنجا که روابط محلی کردها با مقامات مرکزی اغلب از طریق نمایندگان نظامی حکومت انجام می‌شد، این شرایط باعث شد احساس تحت اشغال بودن در بین [کردها] تقویت شود (الینگ، ۲۰۱۳، ص ۵۴). نیروهای مسلح دولتی درست مانند نیروهای اشغالگری عمل می‌کنند که یک کشور دیگر را به تصرف درآورده‌اند و دائماً شبکه‌های امنیتی و نظارتی خود را گسترش می‌دهند. آنها از طریق استراتژی‌های برنامه‌ریزی شده توسعه طلبانه، شیعه‌گری و فارسی‌گری را گسترش داده و مظاهر و جلوه‌های نمادین، مادی و فیزیکی کردبودن را روز به روز کاهش می‌دهند.

سیاست‌های تبعیضی و تفکیکی جمهوری اسلامی ایران محدود به موارد فوق نمی‌شود. دولت از تمام توان نظام آموزشی خود برای گسترش شیعه‌گری و فارسی‌گری و پیشبرد توسعه‌زدایی تک اتنیکی و تک مذهبی در کردستان استفاده می‌کند. محققان آپارتاید آفریقای جنوبی به ما اطلاع دادند که سیاست آپارتاید به سیستم‌های آموزشی جداگانه‌ای نیاز داشت و به گونه‌ای طراحی شده بود تا آموزش مختصری در حد کسب مهارت‌هایی که سفیدپوستان نیاز داشتند برای سپاهان فراهم کند. (لیپتون، ۱۹۶۸، ص ۲۴). به همین نحو، سیستم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران آموزشی درجه دوم ارائه داده و عاری از بومی‌گزینی است. جمهوری اسلامی ایران -از طریق نظام فرهنگ‌پذیری استعماری خود- یک سیاست آموزشی دو بخشی را دنبال کرده است. (الف) استراتژی بومی‌زدایی آن مردم محلی را از کار در مؤسسات دولتی، مدارس و دانشگاه‌ها باز می‌دارد و شیعیان و فارسی‌های غیر محلی را جایگزین آنها می‌کند. در بعضی از استان‌های غیر شیعه تا ۸۰ درصد از آموزگاران از افراد غیر محلی و غیر بومی تشکیل شده‌اند (بنا به گزارش سرویس جدید دویچه وله<sup>22</sup>). حق با ایلینگ است که اظهار می‌دارد: "زیرساخت‌های اداری به گونه‌ای تنظیم شده است تا اهل سنت در هیچ استان اکثریت کارمندان را تشکیل ندهند." (۲۰۱۳، صفحه ۵۱). بومی‌زدایی نرخ بیکاری افراد محلی را افزایش می‌دهد و بتدریج کارمندان و کادرهای آموزشی بومی جای خود را به غیربومی‌ها می‌دهند. (ب) قطب‌بندی آموزش عالی استراتژی دیگری است که پذیرش دانشجویان کرد را در مؤسسات آموزشی خارج از مناطق خود ممنوع می‌کند<sup>23</sup>. آنها در حالی با چنین محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند که سیستم آموزش عالی ایران فارسی محور و تقریباً همه دانشگاه‌های معتبر و صاحب نام ایران در شهرهای مرکزی مانند تهران قرار دارند. ورود به مؤسسات آموزشی هیچگاه برای دانشجویان کرد آسان نبوده است (نگاه کنید به سرخ، ۲۰۰۷).<sup>24</sup>

در حالی که مؤلفه اول سیاست آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران حذف فرصت‌های شغلی محلی برای کردها و سنی‌ها است، دومین مؤلفه ممانعت از تحصیل دانشجویان کرد در خارج از مناطق آموزشی منطقه آنهاست.<sup>25</sup> فارسی‌سازی استعماری از قبل زمین بازی را برای غیرفارسی‌ها ناهموار کرده است. این نظام، آموزش به زبان‌های غیر فارسی را ناممکن کرده است و بنابراین توانایی دانش‌آموزان کرد برای رقابت با دیگر دانش‌آموزانی که زبان مادری فارسی دارند را کاهش می‌دهد. همچنین،

21 <http://archive.fo/x8gXc> (accessed April 1, 2019).

22 <http://archive.fo/XcZ2r> (accessed April 7, 2019)

23 <http://archive.fo/5i2wb>; also <http://archive.fo/j0jUI> (accessed April 7, 2019)

24 <http://archive.fo/l9E5f> (accessed April 7, 2019)

25 <http://archive.fo/GybkR>; also, <http://archive.fo/pZ4WY> (accessed April 7, 2019).



امنیتی سازی دولت دانش‌آموزان کرد را در معرض رژیم شدید نظارتی قرار می‌دهد. در بخش آموزش و پرورش، چندین سازمان امنیتی خاص وجود دارد که هریک از آنها وظیفه دارند دانش‌آموزان و معلمان کرد را از لحاظ دیدگاه سیاسی و مذهبی، رفتارها، نوشتارها، صحبت کردن، عادات و نحوه لباس پوشیدن، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و ... طبقه‌بندی کرده و برای آنها پرونده‌سازی کنند (سلیمانی و مجدپور، 2019b). پروفایل دانش‌آموزی از دوره متوسطه شروع می‌شود و از طریق آن دولت تعیین می‌کند که آیا یک دانش‌آموز معین اجازه دارد تحصیلات عالی داشته باشد یا بعدها در بخش دولتی شاغل شود یا خیر. پیشینه بستگان نزدیک و دور دانش‌آموزان نیز از عوامل تعیین‌کننده در تأیید صلاحیت آنها توسط دولت است (سلیمانی و مجدپور، 2019b).

در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ درست در هنگام افزایش شدید نظامی‌شدن دولتی، کردستان شاهد افتتاح بازارهای موقت مرزی در شهرهای مریوان، سردشت، پیرانشهر و بانه بود. به بازرگانان محلی اجازه داده شد کالاهایی را از کردستان عراق وارد کنند و آنها را به شهرهای غیر کرد منتقل کنند. این تصمیم حکومتی مبلغ عظیمی پول و سرمایه به مناطق شهری کردستان سرازیر کرد. این اوضاع و احوال منجر به محرومیت بیشتر مناطق روستایی شده و مردم روستایی را برای دستیابی به آینده بهتر ترغیب به ترک مزارع خود و مهاجرت به شهرها کرد. شهرهای یاد شده به مقصد اصلی مهاجرت روستایی‌ها تبدیل شدند. به عنوان مثال، در شهر بانه، تعداد مراکز خرید از ۴ مجتمع (در سال ۲۰۰۵) به ۲۵۰ مجتمع (در سال ۲۰۱۶) افزایش یافته است و منجر به اتکای اقتصادی مردم به این بازارهای موقت و گذرا شده است.

دولت با فراهم کردن زمینه این بازارهای زودگذر، اقتصاد محلی را نابود کرد و میزان علاقه دانش‌آموزان و دانشجویان به تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها را پایین آورد، زیرا تحصیلات اغلب به عنوان دروازه‌ای برای دستیابی به مشاغل دولتی تلقی می‌شود. تصمیم افتتاح این بازارهای موقت بیشتر توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرفته شد و هدف آن ایجاد نابسامانی، وابسته‌سازی و کاهش استقلال سیاسی جامعه کرد بود. دولت همچنین امیدوار بود از مرزها - یعنی گشودن و بستن آنها - به عنوان ابزاری برای کنترل کردها در دو طرف مرز استفاده کند. احمدی‌نژاد و سپاه به تدریج سیاست خود را برای نگه داشتن کردها در یک فضای اقتصادی آستانه‌ای تحقق بخشیدند (به گزارش حقوق بشر کردستان در سال ۲۰۰۹ مراجعه کنید). این اتفاق پس از آن افتاد که یک حکومت کرد تصریح‌شده در قانون اساسی عراق در آن طرف مرز تشکیل شد. طبقه اتنو-ملت فارس ظهور این نهاد کردی را به عنوان "تهدیدی جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی" تلقی کردند (بوجمهرانی و پوراسلام، ۲۰۱۴، صفحات ۹۴-۸۷). این موضوع احساسات کرده‌رانی شدیدی برانگیخت تا حدی که حتی "نویسندگان پسا استعماری" فارس مانند حمید دباشی (۲۰۱۷) استقلال احتمالی کردها را "فاجعه‌ای برای منطقه" دانستند.

پس از فروپاشی رژیم صدام، دولت ایران اشکال متنوعی از سیاست‌های توسعه‌طلبانه را از طریق جنگ‌های نیابتی، تسلیح و تأمین بودجه گروه‌های مختلف تروریستی در منطقه اتخاذ کرد. جمهوری اسلامی ایران، کردستان عراق را تهدیدی برای خود، یک میدان نبرد علیه آمریکا و اسرائیل و مکانی برای رقابت با ترکیه می‌داند. تقسیمات اداری و داخلی دوگانه کردهای عراق و سیاست‌های فاسد آنها، باعث شده جمهوری اسلامی به سهولت در اجرای استراتژی‌های خود موفق شود.

جمهوری اسلامی ایران بازارهای کار موقت را در کردستان ایجاد کرده و سپس می‌بندد تا بتواند تحریم‌های اقتصادی آمریکا را دور بزند و جوانان کرد را به سوی اقتصادی ناپایدار و دارای ظاهر فریبنده سوق دهد تا کنترل بیشتری بر کردها داشته و از نفوذ جریان‌های سیاسی کردی بکاهد. به طور کلی، سیاست‌های توسعه‌زدایانه جمهوری اسلامی ایران منجر به شکل‌گیری اشکال مختلفی از محرومیت برای کردها شده که غم‌انگیزترین آن ظهور کولبری و کار فصلی در خارج از کردستان است.

علاوه بر کار مرزی، هر تابستان هزاران خانواده کرد ناچارند در طلب معاشی مختصر به مناطق غیر کردنشین (مثلاً تهران، اصفهان، شیراز و تبریز) مهاجرت کنند، و در کوره‌های آجرپزی خصوصی، مزارع و باغ‌ها کاری برای خود پیدا کنند. شرایط کار در کوره‌های آجرپزی به خصوص وحشتناک و غیر انسانی است و چیزی از بردگی مدرن کم ندارد. کارگران خشت‌زن براساس تعداد آجرهایی که روزانه تولید می‌کنند مزد دریافت می‌کنند و (بنابراین صرف نظر از سن، جنسیت یا وضعیت جسمی و سلامتی) تمام اعضای خانواده باید هفت روز هفته و بسیار بیشتر از ساعات کاری مقرر، به کار طاقت‌فرسای خشت‌زنی بپردازند. اکثر این خانواده‌ها بحران‌های وجودی متعددی را تجربه می‌کنند: آنها به اشکال مختلف مورد سوءاستفاده و بدرفتاری قرار می‌گیرند، در خوابگاه‌های دور افتاده و بدون حداقل شرایط بهداشتی یا امکانات پزشکی شب را به صبح می‌رسانند. با توجه به وجود این شرایط غیر انسانی در کارهای فصلی، مردم اغلب کولبری را به این شرایط وحشتناک ترجیح می‌دهند. مهم نیست که کولبری چقدر خطرناک

و پرگزند باشد، کولبرها معتقدند که حداقل می‌توانند کرامت و عزت خود را حفظ کنند. بر خلاف کار در کوره‌های آجرپزی، کولبری اغلب توسط یک عضو خانواده انجام می‌شود. به همین دلیل است که کولبری دیگر مانند نوع کلاسیک قاچاق، شغلی منحصر به مردان بالغ، بی‌سواد و بی‌مهارت نیست.

در حالی که سن کولبرها از ۱۳ تا ۶۵ متغیر است، سن متوسط کولبری همواره رو به کاهش است. بر اساس یافته‌های ما از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۹ میانگین سنی کولبرهای زخمی و کشته شده ۲۹ سال بوده است (جدول ۵ را ببینید)<sup>26</sup>.

#### جدول (۵) سن متوسط کولبرهای زخمی شده یا کشته شده (۲۰۲۰-۲۰۱۵) (ما تنها به جزئیات سنی ۱۷۵ نفر از ۱۰۲۵ نفر دست یافتیم)

متوسط	حداکثر	حداقل	تعداد
29.53	65	13	262
			سن
			Valid N (listwise) 262

پیشینه کاری و تحصیلی کولبرهای کرد متنوع است. کولبرها می‌توانند ورزشکارانی ماهر و صاحب مدال و یا دانشجوی ممتاز دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا باشند. به عنوان مثال، کیوان کیوانفر، اهل پاوه، دارای مدرک کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و باقر احمدی از مریوان، دارای رتبه ۱۲ از آزمون ورودی دانشگاه سراسری بوده و مدرک کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی شهری دریافت کرده است<sup>27</sup>. طاها غفاری - که مجبور به کولبری شده است یک ورزشکار مشهور و برنده جوایز و مدال‌های متعدد ملی و بین‌المللی است. با این وجود، یک کولبر معمولی باری بین ۵۰ تا ۸۰ کیلوگرم را روی شانه‌های خود حمل می‌کند. بسته به سن و توانایی جسمی آنها، ۵ هزار تا ۲۰ هزار تومان (۳۳ سنت - ۱,۲۵ دلار) برای هر کیلوگرم به آنها پرداخت می‌شود. یک کولبر ممکن است بتواند ۵ تا ۱۰ سفر در ماه داشته و یک میلیون تومان (۶۷ دلار) درآمد داشته باشد، که بسیار پایین‌تر از خط فقر ۶۰۰ دلاری است که توسط دولت برای سال ۲۰۰۷ اعلام شده است.

#### ۴- کولبری: حیطة‌ای مبهم و نامعلوم

کولبری از لحاظ حقوقی غیرقانونی نیست، اما حتی بدون آنکه در قانون جرم تلقی شود می‌تواند با مرگ مجازات شود. کولبرها هم در داخل و هم در خارج نظم حقوقی-سیاسی کشور قرار دارند. هیچ قانونی برای جرم‌انگاری کولبری وجود ندارد، اما با این وجود آنها مرتباً توسط نیروهای دولتی مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند یا در حین فرار از صخره‌ها و ارتفاعات به پایین سقوط می‌کنند، در میداين مین تکه‌تکه می‌شوند و به روش‌های دیگر جان خود را از دست می‌دهند. با این وجود هیچ ساز و کار حقوقی وجود ندارد که بتواند از غم و اندوه کسانی که قربانی خشونت‌های دولتی می‌شوند، بکاهد.

از سال ۲۰۱۵، تیراندازی مستقیم بیشترین تعداد مرگ کولبر را به خود اختصاص داده است (شکل ۱ را ببینید). تنها در آن سال ۱۲۶ کولبر در اثر تیراندازی مستقیم نیروهای دولتی کشته شدند. براساس گزارش شبکه حقوق بشر کردستان (KHRN)، ۴۲ کولبر نیز در سال ۲۰۱۶ کشته شدند که ۷۰٪ از آنها متاهل و سه نفر زیر ۱۸ سال سن داشتند. به همین ترتیب، در سال ۲۰۱۷، تیراندازی مستقیم نیروهای دولتی ۷۳ کشته و ۱۵۴ زخمی به دنبال داشت. نیروهای مسلح دولتی تنها در ۶ ماه اول سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۲۵ کولبر را به قتل رساندند (به گزارش هنگاو<sup>28</sup> (بدون تاریخ) مراجعه کنید). برخی از آنها مانند علی نصیری و فرهاد زندی مورد اصابت گلوله از ناحیه سر قرار گرفتند. نصیری متاهل و دارای دو فرزند بود.

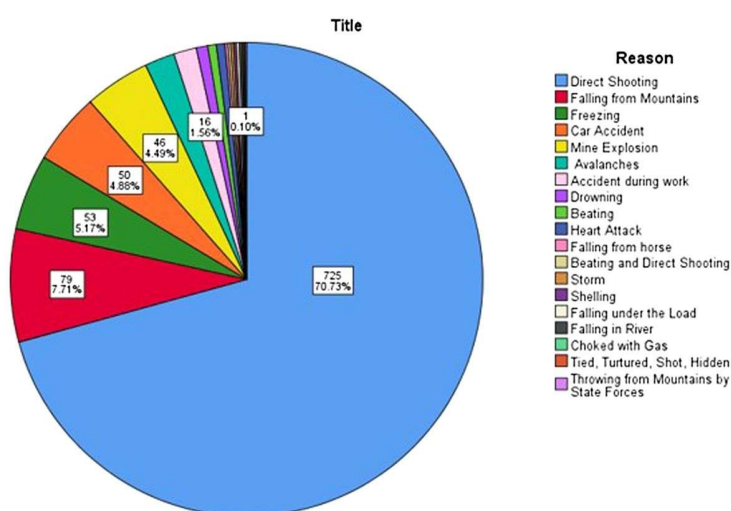
در حالی که ۷۰٪ از کولبرهای کشته شده قربانی شلیک مستقیم هستند، تعداد قابل توجهی از آنها یا به دلیل پرتاب از صخره‌های کوهستانی توسط نیروهای دولتی جان خود را از دست می‌دهند یا در حین فرار برای نجات جان خود سقوط می‌کنند.

<sup>26</sup> این میانگین بر اساس اطلاعات سنی ۲۶۲ کولبر محاسبه شده است (تنها اطلاعات همین مقدار در دسترس بود).  
<sup>27</sup> در ایران، آزمون ورودی دانشگاه‌ها هر سال برگزار می‌شود. این آزمون تنها معیار پذیرش دانشجویان معمولی (غیر ایدئولوژیک) است. امتحان دلهره آور است زیرا به مدت ۵، ۴ ساعت ادامه دارد. دانشجویان ایرانی غالباً سال‌ها خود را آماده امتحان می‌کنند. بهترین رتبه ۱ است و تعداد داوطلبین به ده‌ها هزار نفر می‌رسد. آن دسته از دانشجویانی که رتبه آنها کمتر از ۳ رقم است، بهترین فرصت برای پذیرش در دانشگاه‌های به شدت رقابتی را دارند.

28 <https://hengaw.net/en/news?Category=statistics> (accessed April 13, 2019)

به عنوان مثال، در ۱۶ ماه مه ۲۰۱۸، مجد کریم رحمانی به دلیل مشاجره با سربازان به پایین صخره‌ها پرتاب شد<sup>29</sup>. در ۹ نوامبر ۲۰۱۸، یونس ابراهیمی از اهالی سردشت، در حالی که برای نجات زندگی خود فرار می‌کرد، به پایین سقوط کرد و درگذشت. در همان روز، شیرزاد ابراهیمی نیز در حالی که تحت تعقیب نیروهای دولتی بود، سقوط کرد و جان خود را از دست داد<sup>30</sup>. قساوت و بی‌رحمی فقط به قتل و زخمی کردن کولبرها محدود نمی‌شود. دستگیری غیرقانونی و دلخواهانه، شکنجه و حتی پنهان کردن اجساد کولبرها همگی به رویه معمول دولت تبدیل شده‌اند. اغلب هفته‌ها یا ماه‌ها پس از مرگ کولبران، افراد محلی اجساد آنها را پیدا می‌کنند در حالی که علائم غیرقابل انکار شکنجه بر پیکر آنها نمایان است. به عنوان مثال در ۱۱ فوریه ۲۰۱۸ جسد شوانه رسولی اهل بانه پیدا شد در حالی که پاها و دستان او بسته شده بود و همه نشانه‌ها حاکی از آن بود که قبل از شلیک گلوله به سختی شکنجه شده است<sup>31</sup>. جسد ابوبکر مولانیا اهل ماکو پس از ۷۰ روز حبس و شکنجه، به خانواده وی

تصویر (۲) علت مرگ و جراحت کولبران (۲۰۱۵-۲۰۲۰)



بازگردانده شد. او مفقود شده بود و خانواده به دنبال او می‌گشتند<sup>32</sup>.

گزارش شلیک‌ها بیشترین آمار را در رسانه‌های اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند. از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، بالغ بر ۷۲۵ کولبر یا نزدیک ۷۱ درصد کل افراد کشته شده در چنین حوادثی بر اثر شلیک مستقیم مجروح یا کشته شدند. به این آمار، رویدادهای فرار یا ضرب و شتم توسط سربازان مرزی که اغلب منجر به جراحات شدید یا مرگ می‌شوند، را هم اضافه کنید (شکل ۲). اکثر کولبرهای زخمی از ترس آزار و اذیت دولت و مواجهه با ماموران، از مراجعه به مراکز درمانی خودداری می‌کنند، مسئله‌ای که می‌تواند به مرگ آنها منجر شود. از سال ۲۰۱۹ تعداد کولبرهای مفقود شده به طرز چشمگیری افزایش یافته است. کولبرها به راحتی از هم جدا می‌شوند و در زمستان سخت راه خود را گم می‌کنند و در نهایت از سرما یخ می‌زنند. فرهاد و آزاد خسروی (۱۴ و ۱۷ ساله، نگاه کنید به تصویر ۴) دو برادر کولبر بودند که اجساد یخ‌زده آنها در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹ سه روز پس از ناپدید شدن، پیدا شد. مرگ غم‌انگیز این دو برادر نشان از آسیب‌پذیری بیشتر کولبرهای زیر سن قانونی دارد. هرچند افراد زیر سن نیز درست مانند بزرگسالان، هدف تیراندازی مستقیم نیروهای دولتی قرار گرفته‌اند (جدول ۶). باید یادآوری کرد که سیاست‌های توسعه‌زداپانه دولت در روزه‌ها حتی زنان را نیز مجبور کرده است که برای امرار معاش کولبری کنند.

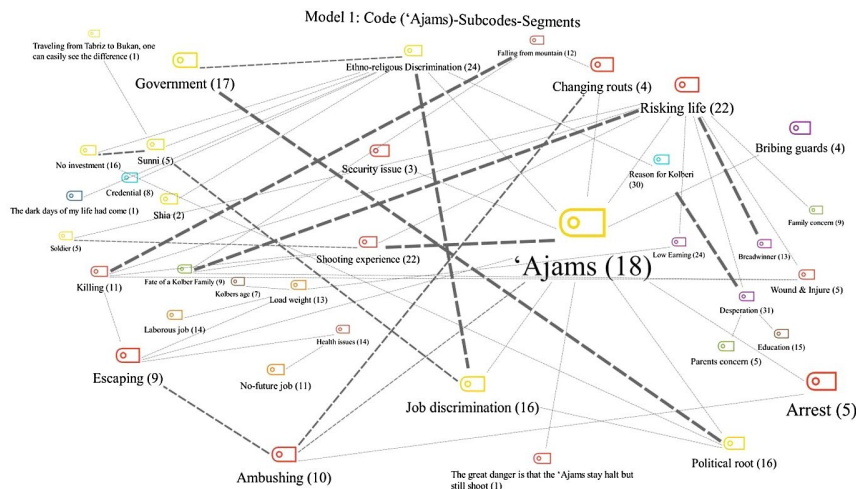
29 <https://youtu.be/23Ylt9mGPHE> (accessed April 20, 2019)

30 <http://archive.fo/oEly6> (accessed April 20, 2019)

31 <http://archive.fo/vzgO2> (accessed April 25, 2019).

32 <http://archive.fo/38ZUN> (accessed April 30, 2019).

تصویر (۳) رابطه مفهومی بین کد "عجم" و دیگر کدها و زیرکدها. توجه: ضخامت خطوط حاکی از انباشت و روابط متقابل دو مفهوم مختلف است.



جدول (۶) کولبرهای مجروح و مقتول زیر سن قانونی در سال ۲۰۱۹

نام	شهر	سن	تاریخ	علت	رویداد
افشار سیدی‌نیاز	مریوان	15	March 13, 2019	سقوط از ارتفاع	مرگ
آرام زرده‌شوانه	اشنویه	17	May 14, 2019	غرق‌شدگی	مرگ
همن صالح‌پور	بانه	16	June 25, 2019	شلیک مستقیم	کشته
اسماعیل ساوجی‌نژاد	مریوان	16	August 8, 2019	شلیک مستقیم	کشته
اشکان فتاحی	نوسود	17	Nov. 11, 2019	شلیک مستقیم	زخمی
هادی حسینی	ربط	17	Dec. 15, 2019	شلیک مستقیم	کشته
فرهاد خسروی	مریوان	14	Dec. 12, 2019	سرماي سخت	مرگ
آزاد خسروی	مریوان	17	Dec. 12, 2019	سرماي سخت	مرگ

همانطور که پیشتر گفته شد، در دهه ۱۹۸۰ دولت میلیون‌ها مین مخصوصاً در چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و کرمانشاه کاشت. سه دهه بعد، این میادین مین متروک و مین‌روپی نشده، همچنان منجر به مرگ و جراحت زیاد روستائیان - بیشتر زنان و کودکان - می‌شود. با ظهور پدیده کولبری، بسیاری از کولبرها به دلیل انفجار مین و برخورد ترکش آن جان خود را از دست می‌دهند و یا صدمات جدی متحمل می‌شوند. با این وجود، علیرغم درد و رنج شدید کولبران، دادگاه‌های دولتی غالباً این کولبران آسیب‌دیده را به پرداخت مبالغ هنگفتی محکوم می‌کنند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷ لقمان وحید - که در اثر انفجار مین یک پا و یک چشم خود را از دست داده بود - به پرداخت جریمه ۱۱ میلیون تومانی برای عبور غیرقانونی از مرز محکوم شد.<sup>33</sup> بسیاری از کولبرها هنگام فرار از دست ماموران یا برای اجتناب از کمین آنها به استقبال مرگ می‌روند. آنها در صورت عدم سقوط از صخره‌های کوهستانی، در اثر هیپوترمی و سرمازدگی در طی سفر شبانه جان خود را از دست می‌دهند.<sup>34</sup> کولبری نشان‌دهنده زندگی و کار در حاشیه است، نباید تنها از منظر حقوقی، سیاسی و اقتصادی به آن پرداخت. بلکه کولبری اغلب منجر به بن بست روانی در افرادی می‌شود که برای غلبه بر خطر فقر، دهشت و خطر جانی کولبری را با آغوش

<sup>33</sup> <http://archive.fo/Aa9tC> (accessed May 10, 2019).

<sup>34</sup> <http://archi ve.fo/Npf5b> (accessed May 10, 2019).

باز پذیرا می‌شوند. غالباً داستان‌هایی به غایت غم‌انگیز از زبان کولبران می‌شنوید شبیه به داستان زیر که توسط یک کولبر تحصیل کرده روایت شده است:

هرگز روزی را فراموش نمی‌کنم که یکی از دوستانم، که او نیز متاهل بود، با بار خود بر روی زمین افتاد.... برای کمک به او نزدیک شدم. ..داشت گریه می‌کرد، از سرما و خستگی می‌لرزید. می‌زن قند خون او به شدت کاهش یافته بود. هوا سرد و گزنده بود و بار او بس سنگین. او با صدای اندوه‌باری گفت که دیگر نمی‌خواهد زندگی کند. او چاقوی خود را به من داد: "خواهش می‌کنم با این چاقو به زندگی من پایان بده...". بارهایش را پایین آوردم و در جایی مخفی کردم تا روز بعد تحویل صاحب بار دهم. اگر من جلوی او را نگرفته بودم، خودش را درست همان جا که بودیم می‌کشت.

### ۵- زندگی بر لبه و جلوه‌های آن

تجزیه و تحلیل ما از روایت‌های کولبران به همراه داده‌های جمع‌آوری شده - طی ساعت‌های طولانی مکالمه و بررسی گزارش‌های مستند - نشان می‌دهد که باید به کولبری به عنوان وضعیتی چند وجهی از زندگی نگریسته شود که در محل تلاقی بیوپولیتیک، اقتصاد سیاسی و هویت کردی قرار گرفته است. مقوله هسته "زندگی بر لبه"، مشخصه‌ها و ابعاد مکانی و زمانی زندگی و کار کولبرها را به آن صورت که در روایت‌های خودشان منعکس شده است، توصیف می‌کند. این مفهوم شکنندگی و ناپایداری زندگی کولبرها را به خوبی توضیح می‌دهد. عبارت "در حاشیه" محیط زندگی کولبرها را به عنوان میکروزومی از حاشیه‌نشینی و مخاطراتی به تصویر می‌کشد که در زندگی کردهای غیرحاکم بر سرنوشت خویش وجود دارد. برای درک بهتر زندگی

تصویر (۴) جسد فرهاد خسروی کولبر ۱۴ ساله پس از ۳ روز بیداشد.



و کار یک کولبر معمولی، باید مروری داشته باشیم بر مقولات اصلی که از آن‌ها "زندگی بر لبه" استنتاج شده است. (جدول ۷).

### جدول (۷) مفاهیم، مقولات اصلی و مقوله هسته

مفاهیم/کدها	مقولات اصلی	مقوله هسته
استخدام شیعه، تبعیض شغلی، سوءاستفاده از کولبرها، عدم قدرت نمایندگان مجلس، بی تفاوتی، وعده‌های نمایندگان مجلس، ریشه سیاسی، دولت، عجم، سریاز، تبعیض اتنو-مذهبی، شیعه، سنی و کدهای درون متنی	ستم ملی	زندگی بر لبه
اعتبار، ناتوانی و عجز، عزت، تلاش دانشگاهی، کولبری هنگام تحصیل، دست به دهان، نگاه اجتماعی، ترک تحصیل برای کولبری، دلایل کولبری	شرایط زندگی	

شرایط کاری	در دسترس بودن، زمان کلبری، طول جغرافیایی، مالکیت، وزن محموله، کار غیر آینده‌دار، گروه کاری، زندگی سخت، شغل طاقت‌فرسا
موقعیت مکانی	رشوه دادن به نگهبانان، شغل موقت، درآمد، نان آور، ناامیدی
مسائل خانوادگی	فشار عاطفی، سرنوشت خانواده کولبر، بدبختی خانواده، نگرانی والدین، نگرانی خانواده.
سلب دارایی‌های زندگی	مسائل مربوط به سلامتی، تغییر مسیرها، مسیرهای خطرناک، جابجایی نگهبانان، سوءاستفاده از قدرت، مسئله امنیتی، بازجویی، تصادف رانندگی، ضرب و شتم، مجروح شدن، توقیف بارها، دستگیری، فرار، یخ زدگی، انفجار مین، کشتار، کمین، سقوط از کوه، خطر زندگی، تیراندازی کردن

در اینجا با تکیه بر نظریه زمینه‌ای ساختاری توضیح می‌دهیم که چگونه داستان و روایت‌های شخصی کولبران وضعیت نامساعد اقتصادی و سیاسی کردهای روزه‌لآت را به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال، در روایات شرکت‌کنندگان ما، مقوله سرکوب ملی به عنوان یک شرط تعیین‌کننده برای ظهور کولبری مورد تاکید قرار می‌گیرد. ستم ملی به بی‌عدالتی‌های نهادینه شده علیه کردها به دلیل اختلافات اتنو-زبانی آنها اشاره دارد. کولبرها اغلب هویت‌های اتنیکی، مذهبی و زبانی را به عنوان عوامل تعیین‌کننده در بروز فقر و محرومیت منطقه خود مطرح می‌کنند. داستان زیر توسط کولبری اهل مریوان به خوبی چنین بی‌عدالتی‌های نهادینه‌شده‌ای را نشان می‌دهد:

من چندین مقاله آکادمیک در مورد برنامه‌ریزی و مدیریت شهری منتشر کرده‌ام ... و همه آنها را به شهردار و شورای شهر ارائه داده‌ام. تصمیم گرفتم برای تحصیل در دوره دکتری اقدام کنم و رتبه ۱۲ را در آزمون پذیرش رشته برنامه‌ریزی شهری کسب کردم .... با این حال، مقامات با وجود این موفقیت تحصیلی، صلاحیت من را رد کردند ... این شروع تاریک‌ترین روزهای زندگی من بود ... من شروع به جستجوی کار کردم اما همه درها روی من بسته شدند. شهردار و فرماندار شهر به من گفتند که نمی‌توانند مرا استخدام کنند ... من همچنین عضو تیم کشتی بودم اما مجبور شدم کشتی را به خاطر کولبری کنار بگذارم .... من فقط ۹ ماه پیش کولبر شدم. من تنها کسی نیستم که از ورود به دانشگاه‌ها منع شده است. بسیاری از جوانان کرد سنی‌مذهب سرنوشتی مانند من دارند.

ستم ملی علاوه بر برخی از کدهای درون متنی، از کدهای دیگری ساخته شده است: استخدام شیعیان، تبعیض شغلی، سوء استفاده از کولبرها، ناتوانی نمایندگان کرد مجلس، بی‌تفاوتی و وعده‌های توخالی، دولت، عجم، سریازان، تبعیض اتنو-مذهبی، و تفکیک شیعه و سنی. شکاف سیاسی - فرهنگی بین کردها و اتنو-ملت حاکم فارس حاکی از نابرابری ساختاری بین مرکز و حاشیه است.

عدم تقارن فوق‌الذکر منجر به ایجاد دو نوع شهروند متفاوت شده است: شهروند حاکم در مقابل غیرحاکم و شیعیان مطلوب/قابل استخدام (تبعیض شغلی) در مقابل کردهای سنی نامطلوب/غیرقابل استخدام. گزیده‌های زیر از سخن کولبرها نشان می‌دهد که چگونه آنها به زبان خودشان به ایده ستم ملی استناد می‌کنند.

- حتی معلمان مدرسه محله نیز بیگانه (غیربومی) هستند. (کولبر اشنویه ۲۰).  
 - آنها به شهرهای سنی‌نشین کردستان اهمیت نمی‌دهند. حتی نمی‌توانید یک کارخانه کوچک پیدا کنید که بتواند ۵۰ نفر را استخدام کند. در سیستان و بلوچستان نیز که ساکنان آن سنی هستند همین مسئله به چشم می‌خورد. (کولبر پیرانشهر ۱۳).  
 - کارگران آن اکثر غیر کرد هستند [وی در مورد کارخانه قند پیرانشهر صحبت می‌کند]. (کولبر پیرانشهر ۱۰)  
 - یک کارخانه پتروشیمی در مهاباد وجود دارد. بیشتر کارمندان آن اهل خراسان هستند. (کولبر مهاباد ۵) شما به عنوان یک کرد، تمام زندگی خود را صرف تحصیل می‌کنید و در انتها تبدیل به یک کولبر می‌شوید [یادداشت: کولبری با مدارک عالی تحصیلی]. (کولبر مریوان ۹)  
 کد: ● زندگی بر لبه / ستم ملی / تبعیض شغلی.

کولبرها معتقدند که فقر مطلق و توسعه‌زدایی، که منجر به کولبری شده است، نتیجه استراتژی به خوبی برنامه‌ریزی شده دولت است: "اگر مقامات دولتی می‌خواستند، می‌توانستند کولبری را کاملاً ریشه‌کن کنند" (کولبر اشنویه ۲۰). بنابراین کولبرها به ندرت تفاوتی بین عجم (فارس و شیعه غیر کرد) و خود دولت قائل هستند. کردها از واژه عجم برای اشاره به فارس‌ها و نمایندگان دولت استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده فرقی‌گذاری عمومی و وجود "فاصله سیاسی-اجتماعی" با مرکز است. همانطور که در شکل ۴ نشان داده شده است، کد عجم اساساً با تبعیض شغلی، عدم سرمایه‌گذاری، تبعیض اتنو-مذهبی و چندین کد از مقوله‌های دیگر همبسته است. دامنه و عمق فاصله بین مرکز و پیرامون و روابط نامتقارن قدرت نیز در عبارت ستم ملی خود را نشان می‌دهد. کولبرهای کرد از این عبارت برای نشان دادن فاصله خود با کسانی که برای دولت/دولت کار می‌کنند، استفاده می‌کنند حتی اگر آنها خود کرد باشند. به عنوان مثال، نمایندگان کرد مجلس، به عنوان کسانی که به ویژه در جریان انتخابات سعی می‌کنند "با وعده‌های توخالی و شعارهای جذاب خود ظلم و ستم حکومت بر کردها را عادی سازند" (کولبر بانه ۱). مصاحبه‌شوندگان خشم خود را نسبت به تلاش نمایندگان کرد ابراز داشتند که سعی دارند کولبری را یکی از نتایج سوء مدیریت اقتصادی قلمداد کنند و نه نتیجه روابط نامتقارن قدرت بین کردها و مرکز. یک کولبر اهل سردشت اظهار داشت: "تا آنجا که من می‌دانم، برخی از این نمایندگان مجلس به جای ریشه‌کن کردن این آفت خطرناک از منطقه ما، سعی در قانونی کردن کولبری دارند و می‌خواهند با بیمه کولبری و صدور کارت کولبری بیشتر از پیش آن را گسترش دهند."

## ۶- تعاملات/فرآیندهای کولبری

مقولات تعامل-فرآیند، روش‌هایی که کولبری با زمینه (مقوله ستم ملی) آن تعامل دارد یا با آن پیوستگی دارد را توصیف می‌کند. همانطور که مقوله موقعیت مکانی نشان می‌دهد، برای بسیاری از کردها که در مرزها زندگی می‌کنند، کولبری تبدیل به راهی برای بقا شده است. در حالی که مصاحبه‌شوندگان از کولبری به عنوان یک شغل موقت کم درآمد، غیرقابل اطمینان و خطرناک یاد می‌کنند، ولی ناچارند به طرز ناامیدانه به عنوان تنها وسیله امرار معاش و بقای اقتصادی به آن متوسل شوند. "ناامیدی، درآمد ناچیز" و "تنها نان آور خانه" از جمله کلمات پرکاربرد در روایات کولبران هستند.

- برای دستمزد ۳ هزار تومان برای هر کیلو چه خطراتی را باید به جان خرید. (کولبر اشنویه ۲۰) این پول حتی برای خرید اسباب بازی بچه‌ها نیز کافی نیست ... و با این وجود گاهی پول نقد نیز برای دستمزد ما نمی‌پردازند. (کولبر مهاباد ۴)  
- با درآمدی که کسب می‌کنیم حتی نمی‌توانیم یک بطری روغن آشپزی هم بخریم. (کولبر مهاباد ۵)  
کد: زندگی بر لبه/موقعیت مکانی/درآمد ناچیز

شرایط زندگی یک مقوله تعاملی دیگر است که زندگی و کار یک کولبر معمولی را نشان می‌دهد. مقوله شرایط زندگی، بیشتر از کدهای "عدم انتخاب"، "نگاه اجتماعی" و "مدارک دانشگاهی" تشکیل شده است:  
من برای کسب موفقیت، هر کاری که می‌توانستم انجام دادم. من مجبور شدم که هنگام تحصیل در مقطع کارشناسی هم کولبری کنم زیرا خانواده‌ام نمی‌توانستند از من حمایت کنند. از آنجا که وقت آزاد نداشتم مجبور شدم در روزهای تعطیل کار کنم. بعضی مواقع بلافاصله بعد از بازگشت از کولبری در امتحانات شرکت می‌کردم. من خسته شده و تمرکز نداشتم. کولبری تنها شغل موجود بود. بعد از فارغ التحصیلی به دنبال شغل‌های دیگر رفتم. اما باز هم کولبری تنها کاری بود که توانستم پیدا کنم. من حتی زمانی که برای کنکور کارشناسی ارشد آماده می‌شدم، کولبری می‌کردم. در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری قبول شدم. با این وجود در ترم دوم مجبور شدم درس خواندن را کنار بگذارم زیرا به علت فقر و ناداری نمی‌توانستم مایحتاج روزانه‌ام را تامین کنم. (کولبر سردشت ۱۷)

کولبرها شرایط خود را نتیجه مستقیم واقعیت‌های سیاسی موجود در کردستان می‌دانند. بنابراین، نمی‌توانند کولبری را از هویت کردی خود جدا کنند. برای آنها کولبری، علیرغم ماهیت گرانبهایش برای امرار معاش، شاهدهی است بر ساختار اخلاقی و اصولی که در زمان تنگنا و ناداری بر آن پایبندند. به قول آنها:

من یک قطعه پارچه آغشته به خون خودم را نگه داشته‌ام. این پارچه برای من عزیز است زیرا نشانگر قیمتی است که برای مسئله‌ای پرداخت کرده‌ام. روزی که مجروح شدم، برای اینکه درآمد بیشتری داشته باشم بار اضافی حمل می‌کردم. هرچه بار سنگین‌تر باشد، دستمزد بهتری نیز دریافت خواهید کرد. پای من لغزید، من روی صخره‌ها افتادم و چندین بار چرخیدم. شانه راستم صدمه دیده و این پارچه در خونم خیس شد. دوستانم بار من را بین خود تقسیم کرده و آن را به مقصد حمل کردند. (کولبر سردشت ۱۸).

- آیا کولبری بهتر از دزدی و انجام کارهای پست و بی‌عزت نیست؟ (کولبر اهل پیرانشهر)  
 - من آماده هستم دستگیر یا حتی کشته شوم. من ترجیح می‌دادم بمیرم ولی دستم را به گدایی دراز نکنم. ... بنابراین، هنگامی که به شهر خود باز می‌گردم، می‌توانم به چند خانواده کم درآمد نیز کمک کنم. به ازای هر باری که به مقصد می‌رسانم، ۴ دلار به خانواده‌های بی‌بضاعت بومی که می‌شناسم اهدا می‌کنم. (کولبر معلول)  
 کد: ● زندگی بر لبه / شرایط زندگی / عزت و کرامت

شرایط کار: همانطور که قبلاً گفته شد، کولبری در شرایط عادی شکل طبیعی کار نیست. این کاری شاق و مملو از خطرات مهلک است. همانطور که یک کولبر اهل مهاباد توضیح می‌دهد: "هر وقت که به کولبری می‌رویم، هیچ تضمینی وجود ندارد که مجدداً با صحت و سلامتی به خانه برگردیم." و با این حال، تنها چند بار در ماه فرصت این کار را پیدا می‌کنند. این کولبر می‌گوید: "وقتی مسیرها مشخص و بی‌مانع است، می‌توانیم سه بار در ماه کولبری کنیم." کولبری نیاز به قدرت جسمی قابل توجهی دارد زیرا مستلزم حمل بار در سفرهای ۸ تا ۱۷ ساعته در پستی و بلندی‌های کوهستانی است. بیشتر کولبرها برای بدست آوردن پولی بیشتر، بارهای بسیار سنگین‌تری را به دوش می‌کشند. یکی از کولبرهای بانهای اظهار می‌کند که: "من جوان‌هایی را دیده‌ام که یخچالی ۱۸۰ کیلوگرمی را بر پشت خود حمل می‌کردند" (کد: ● زندگی بر لبه / شرایط کار / وزن محموله). صاحب بار خود کولبرها نیستند. این امر باعث اضطراب و نگرانی زیادی خواهد شد. آنها برای دریافت دستمزد خود، باید بار را به موقع به مکان‌های تعیین شده برسانند. با این حال، کولبران اغلب مجبورند برای نجات زندگی خود از مخاطرات فرار کنند زیرا نیروهای مسلح دولتی دائم در کمین آنها هستند. در چنین شرایطی برای نجات جان خود باید محموله را رها کرده و فرار کنند. همانطور که یک کولبر اهل سردشت می‌گوید: "بعضی اوقات، باید خسارت مال را به صاحبان بپردازیم" (کد: ● زندگی بر لبه / شرایط کاری / مالکیت).

مقوله مسائل خانوادگی هم روند/تعامل و هم پیامدهای کولبری را توصیف می‌کند. این مقوله تعامل بین یک کولبر و خانواده‌اش و راه‌هایی که کار او ممکن است خانواده را در خطر اندازد، نشان می‌دهد. همانطور که یک کولبر اهل بانه می‌گوید زندگی خانوادگی کولبرها نیز مملو از ترس و اضطراب است، "حتی اگر همسر و فرزند نداشت، نگاه مادران را به درب احساس می‌کنید، زیرا او با اضطراب در انتظار بازگشت شما در کمال سلامت است" (کد: ● زندگی بر لبه / مسائل خانوادگی / نگرانی والدین). خانواده کولبرها با ترسی دایمی و مطلق، نگران از دست دادن "نان آور" خود هستند. اگر نان آور آنها کشته، زخمی یا معلول شود، هیچ کس و هیچ چیز برای جبران وجود ندارد: نه پشتیبانی و تامین اجتماعی و نه بیمه پزشکی. خانواده‌های آنها در وضعیت مطلق ناامیدی و خسران به سر می‌برند (کد: ● زندگی بر لبه / مسائل مربوط به خانواده / سرنوشت خانواده کولبر). مخاطرات و آسیب‌های دایمی که در کمین کولبرها است، ممکن است روابط زناشویی آنها را نابود کند. یک کولبر اهل بانه داستانی تعریف کرد که "چگونه یک کولبر پس از حمل ۱۵۰ کیلوگرم روی شانهایش عین شد و هرگز نتوانست دوباره با همسرش بخوابد." (کد: ● زندگی بر لبه / مسائل خانوادگی / مسائل خانوادگی). در بعضی موارد، آسیب جسمی ناشی از کولبری منجر به روابط مشکل‌زای خانوادگی یا حتی طلاق می‌شود. یکی از مصاحبه‌کنندگان اهل بانه گفت: "بعضی مواقع در طول سفرها، همسران برخی از کولبران با آنان تماس تلفنی برقرار می‌کنند و مکالمه در این شرایط منجر به درگیری شدید لفظی می‌شود".

#### ۷- پیامد "محرومیت از زندگی بشری"

مقوله محرومیت از زندگی انسانی، پیامدهای کولبری را به عنوان محصول ستم ملی توصیف می‌کند. این مقوله چگونه ارتباط متقابل زندگی، کار و خانواده یک کولبر را مشخص می‌کند. این مقوله به اتفاقاتی می‌پردازد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند باعث مرگ، آسیب دیدگی یا محروم کردن فرد از یک زندگی سالم شود. تیراندازی، سقوط از صخره‌های کوهستانی، آسیب دیدگی‌ها، انفجار مین‌های زمینی، مسیره‌های خطرناک کوهستانی، فرار از دست نیروهای دولتی، دستگیری یا در کمین افتادن، مصادره محموله و سرمازدگی از جمله مواردی هستند که اغلب شرکت‌کنندگان آنها را به عنوان اتفاقات ناخوشایند ذکر می‌کنند. همانطور که در بخش کمی گزارش شده است، تیراندازی به کولبرها شایع‌ترین و کشنده‌ترین حادثه است. شرکت‌کنندگان تجربه زنده خود را از تیراندازی توسط "عجم‌ها" اینگونه توصیف می‌کنند:

- لحظاتی پیش آمده که گوله‌ها میلی‌متری از نزدیک یا از بین پاهایم عبور کرده و گرد و غبار برخاسته از آن به صورتم

نشسته است. (کولبر بانه ۱)

- باران به شدت می‌بارید، یک کولبر کشته شد، درست در برابر چشمان ما. (کولبر مهاباد ۶)  
 کد: ● زندگی بر لبه / محرومیت از یک زندگی انسانی / تجربه مورد شلیک قرار گرفتن



بسیاری از کولبرها حین فرار از دست حمله نیروهای دولتی از ارتفاعات یا صخره‌ها سقوط کرده و جان خود را از دست می‌دهند یا به شدت آسیب می‌بینند. همچنین هیپوترمی و سرمازدگی نیز بعنوان یکی از عوامل اصلی مرگ و میر کولبرها گزارش شده است. بعضی اوقات، کولبرها هنگام فرار از کمین نیروهای دولتی، تغییر مسیر داده و ناخواسته وارد میادین مین می‌شوند، در برف گرفتار می‌گردند یا وارد کمین دومی می‌شوند.

- مسیر دیگری در پیش گرفتیم اما وارد کمین دوم شده و گرفتار شدیم. (کولبر مهاباد 7)

کد: ● زندگی بر لبه / محرومیت از یک زندگی انسانی / کمین

- ممکن است از ارتفاعات کوهستانی سقوط کنیم خصوصاً وقتی که مجبور شویم مسیری ناآشنا را طی کنیم. (کولبر بانه

۱۳)

کد: ● زندگی بر لبه / محرومیت از یک زندگی انسانی / سقوط از ارتفاع

- سرمازدگی شدید، پای شما را آبی و سیاه می‌کند و ناچارید آن را قطع کنید. (کولبر پیرانشهر ۱۱)

کد: ● زندگی بر لبه / محرومیت از یک زندگی انسانی / سرمازدگی

- من در اثر انفجار مین زمینی در پیرانشهر پاهایم، یک برادر و یک خواهرم را از دست دادم. (کولبر پیرانشهر)

کد: ● زندگی بر لبه / محرومیت از یک زندگی انسانی / انفجار مین

در همه این موارد دولت برای کشتن در محل حضور دارد. دو کد درون متنی به بهترین وجه می‌توانند مقیاس خشونت دولت علیه کولبرها در مناطق مرزی را توصیف کنند:

- بعضی اوقات عجم‌ها پول می‌گیرند [به عنوان رشوه] اما باز هم به سمت ما شلیک می‌کنند یا بارهای ما را ضبط می‌کنند.

(کولبر پیرانشهر ۱۳)

کد: زندگی بر لبه / محرومیت از زندگی انسانی / تیراندازی

- خطر بزرگ این است که عجم‌ها می‌گویند توقف کنید و وقتی ایستادید شلیک می‌کنند. (کولبر بانه ۱)

کد: زندگی بر لبه / محرومیت از زندگی انسانی / تیراندازی

مصاحبه‌شوندگان به حوادث فرعی دستگیری، توقیف بار و بازجویی توسط مقامات دولتی اشاره می‌کنند. خضر، کولبر ۷۴ ساله، داستان خود را روایت می‌کند که مقامات به جرم مصاحبه وی با خبرنگار بی بی سی از او بازجویی کردند. "بازجوها می‌گفتند تو کشور ما را تحقیر کرده‌ای و من پاسخ می‌دادم که هیچ کاری بدی نکرده‌ام؛ خبرنگار بی بی سی به من کمک کرد، و من فقط از او تشکر کردم. ... فقط در مورد زندگی و شغل خود صحبت کردم. مأموران امنیتی کارت کولبری من را گرفتند و هرگز آن را پس ندادند." مقوله محرومیت از زندگی انسانی نشانگر محوریت خشونت دولتی در تجربه زنده کولبرها است. مفاهیمی که از داده‌ها ساخته‌ایم توسط منابع کمی ما به شدت پشتیبانی و تأیید می‌شوند.

## ۸- نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شده است زندگی و کار کولبرها تحت حاکمیت دولت فارس-شیعی در ایران بررسی شود. ما استدلال کردیم که کولبری نتیجه مستقیم سیستم سلسله مراتبی اتنو- ملی و مذهبی است که کردها و زندگی اقتصادی آنها را از طریق تقسیم آن به ملت غیر حاکم در مقابل اتنو-ملت حاکم، از هم تفکیک کرده است. کولبری یک وضعیت اقتصادی است اما در درجه اول نشانه‌ای از یک زمینه وسیع‌تر سیاسی، حقوقی و فرهنگی در ایران است که این سیستم آپارتاید اقتصادی را به وجود آورده است. به همین دلیل است که کولبری قبل از هر چیز یک پدیده سیاسی است و باید با توجه به استراتژی فارسی-شیعی کردن دولتی مورد مطالعه قرار گیرد. استراتژی دولت، که ذاتاً تبعیض آمیز و نژادپرستانه است کردستان را از نظر اقتصادی جدا از هم نگه می‌دارد و بطور سیستماتیک از توسعه آن جلوگیری می‌کند.

این مورد خصوصاً به این دلیل است که نظام قضایی موجود در کردستان تنها جنبه تنبیهی و حفظ نظم دارد. این نظام حقوقی، ساز و کاری برای تحقق عدالت یا اطمینان از برابری در برابر قانون نیست. در ۴۰ سال گذشته در کردستان قدرت حاکمیتی دولت عملاً از طریق قانون نظامی اعمال شده است، وضعیت اضطراری و خشونت روزمره علیه کردها توسط همین قانون تصویب و اجرا شده است. این وضعیت قضایی را ایجاد کرده است که حاکمیت قوانین خود را دلخواهانه اجرا یا معلق

کند. وضعیت کردها در بهترین حالت وضعیت "اقلیت دشمن" است درست مانند ارمنی‌های ترکیه در جنگ جهانی اول یا ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها در ایالات متحده در طول و بعد از جنگ جهانی دوم. همانطور که شرکت‌کنندگان ما مکرراً خاطرنشان کردند، دولت عامدانه مانع تحول و توسعه اقتصادی کردستان است. کردها هدف سیاست دولتی توسعه‌زدایی و آپارتاید اقتصادی هستند که با اعمال خشونت شدید دولت در ۴۰ سال گذشته پایدار مانده است. جمهوری اسلامی ایران از طریق امنیتی‌سازی، خشونت نظامی و محرومیت قانونی کردها، کردستان را به منطقه نظامی اعلام نشده مبدل کرده است که جان و مال کل جامعه در اختیار نیروهای دولتی است که خشونت آنها منجر به کشته شدن صدها کولبر تا کنون شده است.

ما با ادغام رویکردهای کیفی و کمی، سعی در بررسی و ارائه تصویری کامل از زمینه، فرآیندها و پیامدهای کولبری داشتیم. هر دو رویکرد نشان داد که کولبری محصول ستم ملی و حاکمیت یک گروه اتنیکی بر گروه اتنیکی دیگر است که این یک نمونه کلاسیک از استعمار داخلی است. همانطور که داده‌های ما نشان می‌دهد، اختلافات اتنو-مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد آپارتاید اقتصادی در کردستان دارد. بنابراین، همانطور که نشان داده شده، کولبری صرفاً یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه نتیجه یک استراتژی برنامه‌ریزی شده دولت است. همانطور که داده‌های ما ثابت می‌کند، وضعیت زندگی آستانه‌ای کولبرها با مشخصه‌هایی مانند شکنندگی و ناپایداری توصیف می‌شود. زندگی اجتماعی و خانوادگی آنها با اضطراب، ابهام، ناتوانی و نقص جسمی و از همه مهمتر، مواجهه با یک نیروی مهلک دولتی عجیب است که کشتار کردها برای او مسئولیتی در پی ندارد. بنابراین آنها دائماً در معرض مرگ، ضرر و زیان اقتصادی و سلب دارایی‌های زندگی قرار دارند و به هیچ شکلی از عدالت دسترسی ندارند تا شکایات و مظالم آنها بررسی شده و حق در مورد آنان جاری شود.

#### تقدیر و تشکر

ما به ارسلان یاراحمدی (سردبیر اخبار آنلاین سازمان حقوق بشری هنگاو)، آرس زارعی (سردبیر کولبرنیوز) و تافگه حسن‌پور بخاطر ارائه اطلاعات و داده‌های ارزشمند، مدیون هستیم. ما بی‌نهایت از دوستان بزرگوار خود سپاسگزاریم: بنیامین میتچل، الکساندر گانوته، آنتونی کی شین و اوون آر میلر به دلیل خواندن مقاله ما و ارائه نظرات و بینش‌های ارزشمند. ما همچنین مدیون ژیان مجدپور هستیم که روایت‌های کولبرها را از کردی به انگلیسی ترجمه کرد.

#### بیانیه دسترسی به داده‌ها

داده‌هایی که از یافته‌های این مطالعه پشتیبانی می‌کنند، در صورت درخواست موجه از نویسندگان در دسترس

هستند.

#### منابع:

- Agamben, G. (1998). *Homo sacer: Sovereign power and bare life*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Agamben, G. (2003). *State of exception*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Bailey, T., & Waldinger, R. (1991). Primary, secondary, and enclave labor markets: A training systems approach. *American Sociological Review*, 56, 432–445.
- Berger, B. (1991). The culture of modern entrepreneurship. In B. Berger (Ed.), *The culture of entrepreneurship* (pp. 13–22). San Francisco, CA: ICS Press.
- Beşikçi, I. (1990). *Devletlerarasi sömürge kürdistan/ an international colony kurdistan*. Bilimsel araştırma kitab. Bonn: Weşanên Rewşen.
- Boroujerdi, M. (1998). Contesting nationalist constructions of Iranian identity. *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 7(12), 43–55.
- Boroujerdi, M., & Rahimkhani, K. (2018). *Postrevolutionary Iran: A political handbook*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.

- Bozcali, F. (2019). Money for life: Border killings, compensation claims, and life-money conversions in Turkey Kurdish Borderland. In B. Bargu (Ed.), *Turkey's necropolitical laboratory. Democracy, violence and resistance*. Edinburgh University Press.
- Bujmehrani, H., & Poor Islami, M. (2014). The soft threat of Kurdistan regional government of Iraq and its influence on Kurds in Iran. *Political Sociology of the Islamic World*, 2(4), 87–110.
- Casanova, P. G. (1965). Internal colonialism and national development. *Comparative International Development*, 1(4), 27–37.
- Dabashi, H. (2017, November 27). Formation of an independent Kurdistan would be disastrous for all peoples of the region, including the Kurds themselves. Aljazeera. Retrieved from [www.aljazeera.com/indepth/opinion/kurdish-question-171030073038610.html](http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/kurdish-question-171030073038610.html)
- Elling, R. C. (2013). *Minorities in Iran: Nationalism and ethnicity after Khomeini*. New York, NY: Palgrave.
- Fazeli, N. (2006). *Politics of culture in Iran anthropology; politics and society in the twentieth century*. New York: Routledge.
- Frank, A. G. (1971). *Sociology of development and underdevelopment of sociology*. Pluto Press.
- Gambetti, Z. (2009). Decolonizing Diyarbakir: Culture, identity and the struggle to appropriate urban space. In K. A. Ali & M. Rieker (Eds.), *Comparing cities the Middle East and South Asia* (pp. 97–129). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Ghassemlou, A. (2006). *Kurdistan and Kurd* (Kurdish ed.). Erbil, Iraq: Rojhalat.
- Glaser, B., & Strauss, A. L. (2000). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. New York: Routledge.
- Gutmann, A. (1987). *Democratic education*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Hengaw Organization for Human Rights. (n.d.). Retrieved from <https://hengaw.net/en>
- Jones, S., & Muller, A. (1992). *The South African economy, 1910–1990*. London, UK: Palgrave Macmillan.
- Khani, S., & Zarghami, H. (2013). Investigating the rate of unemployment in Kurdistan between 1996–2006. *Falnameh-ye Mutal'at-e Jawanan*, 4(11), 65–80.
- Kolber Telegram Group. n.d. Retrieved from <https://t.me/kolbernews>
- Kurt, M. M. (2019). My Muslim Kurdish brother: Colonial rule and Islamist governmentality in the Kurdish region of Turkey. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(3), 350–365.
- Light, I., Bhachu, P., & Karageorgis, S. (1993). Entrepreneurship and immigrant networks. In I. Light & P. Bhachu (Eds.), *Comparative immigration and entrepreneurship* (pp. 25–49). New Brunswick, NJ: Transaction.
- Light, I., Sabagh, G., Bozorgmehr, M., & Der-Martirosian, C. (1994). Special issue on immigration, race, and ethnicity in America. *Social Problems*, 41(1), 65–80.
- Lipton, M. (1986). *Capitalism and apartheid—Capitalism and apartheid: South Africa, 1910–1986*. Aldershot, UK: Wildwood House.
- Love, J. (1989). Modeling internal colonialism: History and prospect. *World Development*, 17(6), 905–922.
- Lowenberg, A. D. (1989). An economic theory of apartheid. *Economic Inquiry, Western Economic Association International*, 27(1), 57–74.

- Lundahl, M. (1992). *Apartheid in theory and practice: An economic analysis*. Boulder, CO: Westview Press.
- Mohammadi, A. (2015). *Investigating employment inequality and its causes, with a special focus on Kurdistan* (Master thesis), University of Kurdistan.
- Marquard, L. (1957). *South Africa's colonial policy*. Johannesburg, South Africa: Institute of Race Relations.
- Mehrdad, K. (2006). Persian nationalism and the campaign for language purification. *Middle Eastern Studies*, 34(2), 9–36.
- Mohammadpour, A., & Soleimani, K. (2019). Interrogating the tribal: The aporia of “tribalism” in the sociological study of the Middle East. *British Journal of Sociology*, 70(5), 1799–1824.
- Mudimbe, V. Y. (1988). *The invention of Africa: Gnosis, philosophy, and the order of knowledge*. Bloomington: Indiana University Press.
- Naficy, H. (2012). *A social history of Iranian cinema: Volume 4: The globalizing era, 1984–2010*. Durham, NC: Duke University Press.
- Peckham, R. (2004). Internal colonialism: Nation and region in nineteenth-century Greece. In M. Todorova (Ed.), *Balkan identities: Nation and memory* (pp. 41–59). New York, NY: New York University Press.
- Portes, A., & Bach, R. (1985). *Latin journey*. Berkeley, CA: University of California Press. Reitz, J. (1980). *The survival of ethnic groups*. Toronto, Canada: McGraw-Hill.
- Roy, S. (1995). *The Gaza strip: The political economy of de-development*. Washington, DC: Institute for Palestine Studies.
- Soleimani, K., & Mohammadpour, A. (2019a). Can non-Persians speak? The sovereign's narration of “Iranian identity”. *Ethnicities*, 19(5), 925–947.
- Soleimani, K., & Mohammadpour, A. (2019b). The securitisation of life: Eastern Kurdistan under the rule of a Perso-Shi'i state. *Third World Quarterly*. <https://doi.org/10.1080/01436597.2019.1695199>
- Sorkh, I. (2007). Unequal education and uneven space for locality and ethnic background: The case of Western Azerbaijan in 2001–2002. *Journal of Taalim and Tarbiat*, 3(91), 103–125.
- Stansfield, G. (2014). Kurds, persian nationalism, and Shi'i rule: Surviving dominant nationhood in Iran. In D. Romano & M. Gurses (Eds.), *Conflict, democratization, and the Kurds in the Middle East* (pp. 59–84). New York, NY: Palgrave-Macmillan.
- Tashakkori, A., & Teddlie, C. (2003). *Handbook of mixed methods in social & behavioral research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Vali, A. (1998). The Kurds and their “others”: Fragmented identity and fragmented politics. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 18(2), 82–95.
- Vali, A. (2003). *Essays on the origins of Kurdish nationalism*. Costa Mesa, CA: Mazda.
- Vali, A. (2014). *Kurds and the state in Iran: The making of Kurdish identity*. London, UK: I. B. Tauris.
- Vali, A. (2015). *Modernity and the stateless: The Kurdish question in Iran*. London, UK: I. B. Tauris.
- Williams, W. E. (1989). *Africa's war against capitalism*. New York: Praeger.
- Yadirgi, V. (2017). *The political economy of Kurds of Turkey: From the Ottoman empire to the Turkish republic*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Yiftachel, O. (2006). *Ethnocracy: Land and identity politics in Israel/Palestine*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
- Yüksel, S. A. (2011). Rescaled localities and redefined class relations: Neoliberal experience in South-East Turkey. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 13(4), 433–455.

---

**How to cite this article:** Soleimani K, Mohammadpour A. Life and labor on the internal colonial edge: Political economy of kolberi in Rojhelat. *Br J Sociol.* 2020;00:1–20. <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12745>

---